نیایش های سحرگاه



بسم الله الرحمن الرحیم

نیایش های سحرگاه

نویسنده:

موسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر چاپی:

موسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نیایش های سحرگاه

مشخصات کتاب

مولف : مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر : مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام

سحرخیزی در قرآن کریم

آیـات قرآن در موضوع سـحر و سـحرخیزی ، فراخوانی است که گـاه از برتری وقت سـحر و شـکوه سـحرخیزی و نشـانه هـا و یادگارهـا و نکـات باریـک و حقیقت های آن به گونه آشـکار و بی پرده یاد کرده و همه را به شب خیزی فراخوانـده و نیز در آیاتی با اشاره به سحرخیزی پیروان دیگر ادیان ، آن را فضیلتی آسمانی و فرابشری دانسته است . ما با بهره جویی از تفسیرهای روایی به هر دو دسته این آیات اشاره خواهیم کرد :

۱ یا ایها المزمل ، قم الیل الا قلیلا ، نصفه او انقص منه قلیلا ، او زد علیه و رتل القرآن ترتیل ؛ ای جامه به خود پیچیده ، شب را جز اندکی بپاخیز ، نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن ، یا بر نصف آن بیفزا ، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان . [۱]

۲ ان ناشئه اللیل هی اشد وطأ و اقوم قلیل ؛به یقین نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و گفتاری ماندگارتر است . [۲]

مرحوم کلینی ، شیخ صدوق و شیخ طوسی با سندهای معتبر به نقل هشام بن سالم از امام صادق(علیه السلام) روایت کرده اند که مقصود از این آیه ، سحرخیزی کسی است که قصد او از آن جز الله عزوجل نیست . [۳]

مرحوم طبرسی می گوید : مقصود از «ناشئه اللیل» ساعات شبانه است که پی در پی پدید می آیند . از امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) نقل است که مقصود از این آیه ، سحری خیزی برای نماز شب است . [۴] و

نماز شب «اشد وطأ» بسیار عمل سنگین و پرمشقت است؛ زیرا شب ، زمان استراحت است و عمل عبادی در آن زحمت دارد .

سپس می گوید : برخی نیز «وطأ» را «وطاءا» به کسر واو و با مد خوانده اند . بنابراین ، قرائت «اشد وطاءا» یعنی بین گوش و چشم ، موافقت است و دل و زبان و گوش نمازگزار برای فهمیدن و اندیشیدن هماهنگ است؛ زیرا قلب انسان در دل شب به چیزی از امور دنیا ، اشتغال ندارد و نماز شب ، سخن استواری است . از امام صادق(علیه السلام) ذیل این ایه نیز روایت است که مقصود سحرخیزی کسی است که جز الله تعالی را نمی خواهد . [۵]

پس عبادتی در دل شب پابرجاتر و پایدارتر است که هدف از آن خود الله جل و علا باشد .

حضرت آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید :

«معنای آیه شریفه (ان ناشئه اللیل . . .) این است که تو در روز کارهای فراوانی داری ، ولی شب هنگام ، مزاحمی نداری و کسب پایگاه محکم و سخن مستحکم تنها در سحر میسر است . [۶]

۳ و من اللیل فَتَهَجَّد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمود؛ و پاسی از شب را برای برپایی نافله شب (افزون بر دیگر واجبات ، از خواب) برخیز؛ امید است که پروردگارت تو را به مقام محمود رساند» . [۷]

واژه تهجد هم خانواده هجود است . هجود به معنی خواب است و تهجد (از باب تفعل) بنابر نظر بسیاری از اهل لغت به معنای بیداری پس از خواب[۸] برای عبادت و اقامه نماز است . کلمه

«نافله» نیز از ماده «نفل» به معنای زیادی می باشد . [۹]

پس متهجد کسی است که از خواب شبانه برای بپاداشتن نماز شب که افزون بر نمازهای واجب است برخیزد .

همه مفسران بر این باورند که این آیه درباره پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) است . ای محمد برای برپایی نماز شب که زیادی بر واجبات بر تو واجب است پاسی از شب را بیدار باش . [۱۰] از امام صادق(علیه السلام) نیز روایت است که نماز شب بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) واجب بود . [۱۱]

درباره مقام محمود در یکی از بخش های آتی سخن خواهیم گفت .

۴ المستغفرین بالاسحار؛ (پرهیزکاران) آمرزش طلبان در سحرگاه . [۱۲]

۵ کانوا قلیلاـ من اللیل ما یهجعون و بالاسحار هم یستغفرون؛ و آنان (پرهیزکاران) کمی از شب را به خواب می روند و سحرگاهان آمرزش می طلبند .

لازمه استغفار سحری ، بیداری در پایان شب است و سنت مطهر از آن به نماز شب و استغفار در قنوت نماز وتر تفسیر می کند . [۱۳] در برخی از روایت های دینی آمده است که مقصود از استغفارکنندگان در دو آیه یاد شده ، همان نمازگزاران گاه سحراند . [۱۴] نیز از امام رضا(علیه السلام) نقل است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در قنوت نماز وتر ، هفتاد مرتبه استغفار می کرد . [۱۵] مقصود از پوزش طلبان در آیه هجده سوره ذاریات ، کسانی اند که در پایان شب ، هفتاد مرتبه در قنوت نماز وتر استغفار کرده و از خداوند پوزش می طلبند . [۱۶] از امام صادق (علیه السلام) روایت است که : هر کس در گاه سحر استغفار کند از اهل این

آیه به شمار می آید . [۱۷]

از اهل بیت(علیهم السلام) روایت است که :

آگاه باشید ، درودهای خداوند شامل حال اهل سحر و پوزش طلبان سحری است . [۱۸]

رسول خدا می فرماید : همانا خدای تعالی صدای کسانی را که سحرگاهان استغفار می کنند دوست می دارد . [۱۹]

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل است که : سه گروه از (وسوسه های) ابلیس و لشکریانش ، پاک (و در امان)اند : ۱ آنان که خداوند را یاد می کنند؛ ۲ کسانی که از بیم (عذاب) خدا ، گریه دارند؛ ۳ گروهی که سحرگاهان استغفار می کنند . [۲۰]

امام صادق(علیه السلام) می فرماید : هرگاه بنده (در روز) گناهی انجام دهد تا شب او را مهلت دهند ، پس اگر استغفار کند بر او ننویسند . [۲۱]

و باز از امام صادق(علیه السلام) نقل است که : هر کس کار بدی مرتکب شود تا هفت ساعت از روز او را مهلت دهند ، پس اگر سه بار بگوید : «استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم» چیزی بر او ننویسند . [۲۲]

۶ پهلوهایشان دل شب از بستر خواب دور می شود و با بیم و امید پروردگارشان را می خوانند و از آنچه به آن داده ایم انفاق می کنند . و هیچ کس نمی داند چه پاداش های مهمی که مایه روشنی چشم هاست برای آن ها نهفته شده ، این پاداش کارهایی است که انجام می دادند . [۲۳]

از امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) روایت است که مقصود از تهی کنندگان پهلو در آیه یاد شده ، همان کسانی اند که برای خواندن نماز شب از رختخواب خود برمی خیزند . [۲۴]

۷ أ من هو قانت آناء اللیل ساجدا و قائما بحذر الآخره و یرجو

رحمه ربه؛ یا کسی که در ساعات شبانه به عبادت می پردازد و در حال سجده و قیام از عذاب خداوند می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است (با دیگران یکسانند) ؟ [۲۵]

از امام باقر(علیه السلام) روایت است که مقصود از این آیه ، نماز شب است . [۲۶]

۸ فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک . . . من آناء اللیل . . . لعلک ترضی؛ پس در برابر آنچه می گویند صبر کن ، . . . و برخی از ساعا شب (پروردگارت) را تسبیح گو ، باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی . [۲۷]

۹ و سبح بحمد ربک حین تقوم؛ و چون از خواب برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گو . [۲۸]

برخی از مفسران ، تسبیح و حمد در این آیه را همان نماز شب دانسته اند . [۲۹]

۱۰ و من اللیل فسبحه و ادبار النجوم؛ پاسی از شب و به گاه پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح) او (پروردگارت) را تسبیح گو . [۳۰]

صاحب تفسیر مجمع البیان ، ذیل این آیه ، مقصود از آن را نماز شب دانسته است . از امام باقر(علیه السلام) نیز نقل شده است که از «ادبار النجوم دو رکعت نماز ، پیش از صبح مقصود است . [۳۱]

۱۱ و من اللیل فسبحه و ادبار السجود؛ پاسی از شب و پس از سجده ها او (پروردگارت) را تسبیح گو . [۳۲]

از امام صادق(علیه السلام) روایت است که مقصود از این آیه ، نماز وتر است که در آخر شب قرار دارد . [۳۳]

۱۲ و من اللیل فاسجد له و سبحه لیلا طویل؛ پاسی از شب را بر او سجده

کن و مقداری طولانی از شب او را تسبیح گو[۳۴]

امام رضا (علیه السلام) می فرماید : تبسیح در این آیه همان نماز شب است . [۳۵]

۱۳ و عبادالرحمن . . . والذین یبیتون لربهم سجدا و قیام؛ و بندگان خدای مهربان . . . کسانی اند که شب هنگام برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند . [۳۶]

سجده و قیام در شب از ویژگی های عبادالرحمن است و مقصود از بیتوته و سجده و قیام شبانه همان نماز شب است و این ویژگی اختصاصی بدان خاطر است که اطاعت شبانه سخت تر و پسندیده تر و از ریا دورتر است .

ابن عباس می گوید : هر کس در دل شب دو رکعت یا بیش تر نماز بگزارد از عبادالرحمن به شمار می آید . [۳۷]

امام صادق(علیه السلام) درباره آیه «ان الحسنات یذهبن السیئات؛[۳۸] همانا نیکی ها بدی ها را از میان می برد» . فرمود : نماز شب مؤمن ، گناه روز او را از بین می برد . [۳۹]

۱۴ لیسوا سواء من اهل الکتاب امه قائمه یتلون آیات الله آناء اللیل و هم یسجدون؛ آنان مساوی نیستند؛ از اهل کتاب گروهی هستند که قیام می کنند و پیوسته در اوقات شب ، آیات خدا را می خوانند ، در حالی که سجده می کنند . [۴۰]

مقصود از اهل کتاب کسانی اند که به راهنمایی اسلام ، ره یافتند و شبانه به گاه تهجد ، کتاب خدا را تلاوت می کنند و به سجده می روند؛ یعنی به نماز شب می ایستند . [۴۱]

ولی وجه تعبیر سجود از نماز شب این است که سجده با شکوه ترین رکن در فروتنی و رساترین حالت نمازگزار در ستایش خداست . امام صادق(علیه السلام) می فرماید : نزدیک ترین حالات بنده به پروردگار ،

گاهی است که او در سجده می گرید . [۴۲]

مرحوم طبرسی می گوید : این آیه خود بیانگر آن است که نماز شب نزد خداوند چه عظمتی دارد . [۴۳]

۱۵ و رهبانیه ابتـدعوها ما کتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله؛ رهبانیتی را که (پیروان مسـیح) ابداع کرده بودند ، ما بر آنان مقرر نداشته ایم گرچه هدف شان جلب رضایت خداوند

بود . [۴۴]

مقصود از رهبـانیت در این آیه ، نماز شب است . چنان که از ابی الحسن(علیه السـلام) روایت شـده است . [۴۵] و بنابر اجماع مفسـران ، رهبـان صـیغه مبـالغه از رهب و به معنی کمال خشـیت و انقطاع در عبادت و تنها برای به دست آوردن رضایت خـدا است . [۴۶]

شکوه و ارزش سحرخیزی

هر چنـد در ذیـل آیـات یاد شـده به روایتی متناسب با آن ها نیز اشاره شـده است ، ولی در این بخش به برخی از احادیثی (که روایات در این باب ، متظافر[۴۷] است و یا به حد تواتر می رسد[۴۸] و) جداگانه و آزاد در شکوه و فضیلت و اهمیت و ارزش و آثار و نتایج سـحر و سحرخیزی وارد و در اهتمام به آن سفارش شده است می پردازیم و لحظه هایی میهمان سفره کلام اهل بیت(علیهم السلام) می شویم و به قدر استعداد جانمان از آن لقمه برمی گیریم :

نماز شب از جمله نمازهای نافله است که بر آن اصرار و ابرام شده است و همواره و بر تارک تمام مستحبات می درخشد .

چند اندرز و سفارش از رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) .

۱ فضیلت نافله شب بر نافله روز ، مثال برتری انفاق پنهانی بر انفاق آشکار است . [۴۹]

۲ بافضیلت ترین نمازهای مستحب نماز شب است و

چه اندک است بر دارنده آن . [۵۰]

۳ دو رکعت نمازی که بنده خدا در پایان دل شب به جا می آورد ، برای او از دنیا و آنچه در آن است نیکوتر و سودمندتر است و اگر سخت گیر می بودم ، هر آینه نماز شب را بر امتم واجب می کردم . [۵۱]

۴ دو رکعت نماز در دل شب را از دنیا و هر آنچه در آن است ، بیش تر دوست می دارم[۵۲]

۵ بهترین و بابرکت ترین وقتی که بتوانید خداوند را بخوانید ، اوقات سحری است . یعقوب (علیه السلام) که به فرزندانش گفته بود : «به زودی از پروردگارم برایتان استغفار می طلبم[۵۳]» درخواست آنان را تا سحر وانهاد .

۶ بر شما باد به سحرخیزی ، زیرا این عمل دأب صالحان پیش از شما بوده است . در حقیقت ، سحرخیزی نزدیک شدن به خداوند و دور بودن از گناه است . [۵۴]

۷ فرد نباید بخوابد در حالی که نماز وتر بر اوست . [۵۵]

امام باقر(علیه السلام) می فرماید : هر کس خدا و روز واپسین را باور داشت ، شب را خواب یا بیدار به صبح نمی رساند جز آن که نماز وتر را بخواند . [۵۶]

از یکی از صالحان نقل است که : شبی ، از نماز شب باز ماندم ، در خواب شنیدم که هاتفی فریاد کرد :

آیا بندگان حق تعالی به خوابند؛در حالی که جنت رضوان در میان آنان قسمت می شود ؟ پس هر که افزون بخوابد شب را با خواب ، کوتاه نکند و به خردی از بهشت ، رضا ندهد . [۵۷]

از امام صادق(علیه السلام) روایت است که : سحرخیزی را از دست مده؛ چه مغبون (فریب

خورده و زیان دیده) کسی است که از آن بازمانده محروم شود . [۵۸]

۸ جبرئیل پیوسته مرا به شب زنده داری سفارش می کرد؛ چونان که من گمان بردم بهترین های امتم شب را جز اندکی نمی خوابند . [۵۹]

امام صادق(علیه السلام) می فرماید : جبرئیل(علیه السلام) نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمد ، آن حضرت فرمود : ای جبرئیل ، مرا موعظه کن . جبرئیل عرض کرد :

ای محمد ! هرگونه که می خواهی زندگی کن ، ولی بدان که می میری ، هر گونه که می خواهی دوست بدار ، ولی بدان پایان آن جدایی است و هر گونه که می خواهی عمل کن ، ولی بدان برای کردارهایت جزایی است ، ولی بدان و به خاطر بسپار که شرف هر کس به سحرخیزی و بی نیازی او از مردم است . [۶۰]

۹ سه چیز فخر مؤمن و زیور او در دنیا و آخرت است؛ اقامه نماز در پایان شب؛ نا امیدی از آنچه در دست مردم است و پذیرش ولایت امام از آل محمد(صلی الله علیه و آله) . [۶۱]

۱۰ شرف مؤمن ، نماز شب و عزت او خودداری از تعرض به آبرو (و آزار رساندن به) مردم است . [۶۲]

امام صادق(علیه السلام) می فرماید :

خدای عزوجل فرمود : «مال و فرزندان ، زینت زندگی دنیا هستند» ، (اما) بی گمان هشت رکعت نمازی که بنده در پایان شب به جا می آورد زینت آخرت است . [۶۳]

۱۱ . جابر بن عبدالله از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت می کند که آن حضرت در خطبه ای پس از سفارش اکید به نمازهای واجب روزانه و اثر مداومت بر آن در پاک شدن انسان از گناهان فرمود :

ای مردم

، چنین نیست که دست و پای شما آزاد باشد . هیچ بنده ای نیست جز آن که ریسمانی چند بر اعضای او گره خورده و محکم بسته است و آزاد نیست ، [هر علاقه ای که انسان به غیر خدا پیدا می کند گره ای است که بر خویشتن خویش می زند و حزام[۶۴] تنگ اسب است] . هر شب در ثلث آخر شب فرشته ای به بالین انسان می آید و می گوید : برخیز به یاد خدا باش که [وقت] نماز شب [و صبح] نزدیک است ، پس اگر از جای خود حرکت کرده برخیزد و خدا را یاد کند یک گره از گره ها باز می شود و اگر به پا خیزد و وضو بگیرد به نماز بایستد همه گره ها گشوده می شود تا این که با چشمی شاد و روشن پای به عرصه صبح می نهد . [۶۵]

۱۲ هر که (در راه سفر از خطر) بترسد ، تمام شب را در حرکت خواهد بود و آن که همه شب را پیش رود به منزل می رسد . آگاه باشید که کالای تجارتی خداوند گران بها ، خوش بو و آرام بخش دل هاست؛ آگاه باشید که کالای تجارتی او بهشت است . [۶۶]

اگر شب کاروان در ره شتابد سحر سر منزل مقصود یابد

گویند کسی از مردان خدا با همراهانش در یکی از منزل های میان راه مکه و نزدیک منی ، اتراق کرده بود ، چون پاسی از شب گذشت برای نماز سحری از خواب برخاست ، دید همه خوابند ، آنان را آواز داد : ای راهگذاران که برای آسودن کوتاه ، درنگ کرده و دم گرفته اید ، آیا برآنید که همه شب را در

خواب بمانید ؟ پس چگونه کوچ می کنید و از این منزل می گذرید ؟

تا شب نروی روز به جایی نرسی

از بانگ او همه از خواب بیدار شدند ، وضو گرفته در دامن سحر به نماز ایستادند و بر رحمت خدایی دست رساندند .

و چون سپیده سر برآ ورد گفت : «عند الصباح یحمد القوم السری؛ صبح هنگام ، شبروان ستایش می شوند» . [۶۷]

امام حسن عسگری(ع) می فرماید :

ان الوصل الی الله سفر لا یدرک الا بامتطاء اللیل ، من لم یحسن ان یمنع لم یحسن ان یعطی؛[۶۸] سیر الی الله و وصول به خدای سبحان سفری است که مرکوب راهوار آن ، شب زنده داری است ، برای کسی که مشتاق لقای حق است بهترین وسیله ، شب زنده داری است . [۶۹]

۱۳ پیامبر اکرم(ص) به امام علی(علیه السلام) وصیت فرمود که : یا علی ، چند چیز را به تو سفارش می کنم ، آن ها را از من به خاطر بسپار . سپس فرمود : بار خدایا ، علی را یاری رسان تا آن جا که فرمود : بر تو باد به نماز شب ، بر تو باد به نماز شب ، بر تو به نماز شب . [۷۰]

و در برخی از نقل هاست که چهار بار تکرار فرمود . [۷۱]

۱۴ [یا علی] سه شادمانی ویژه مؤمنان است : ۱ دیدار با برادر دینی؛ ۲ روزه دار را میهمان کردن؛ ۳ سحرخیزی . [۷۲]

امام علی(علیه السلام) این آموخته مکتب و تربیت یافته دامان پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) نیز می فرماید :

۱ برترین عبادت ، شب زنده داری برای ذکر خدای سبحان است . [۷۳]

۲ شب زنده داری بهشت و گلزار آرزومندان است . [۷۴]

بیداری شبانه و شب زنده داری به خاطر ذکر و فرمان بری و بندگی خداوند ، زمانی مناسب برای سعادت مندان و پاکیزگی و خرمی[۷۵] و بهار دوستان خدا و گلستان افراد خوش بخت ، [۷۶] نشان خود نگه داران خوی و عادت آرزومندان[۷۷] و دوست ویژه ای برای عارفان و مژدگانی مقربان درگاه خداوند است . [۷۸]

از امام زین العابدین(علیه السلام) روایت است که : همانا بین شب و روز باغ و گلستانی است که نیکان در شکوفه های آن می گردند و خودنگهداران در آن بهره مندند . [۷۹]

مقصود از باغ و گلستان ، بین طلوعین و هنگامه سحر است .

۴ چشمانتان را (برای نماز شب بیدار کنید) و شکم هایتان را گرسنه نگاه دارید و از کالبدتان بستانید و به جان هایتان ببخشید . [۸۰]

۵ از (عذاب) خداوند چونان خردمندی بترسید که دل را به اندیشیدن مشغول داشته و هراس (از عقاب رنج آور) خدا ، بدنش را فراگرفته و شب زنده داری خواب را از چشمانش ربوده است . [۸۱]

۶ ای بندگان خدا ، همانا تقوای خدایی ، دوستان خدا را از انجام محرمات باز می دارد و قلب هایشان را از ترس خدا پر می سازد . تا آن که شب های آنان با بی خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه داری سپری می گردد . [۸۲]

۷ همانا خدای عزوجل هر گاه بخواهد اهل زمین را به عذابی دچار کند ، می فرماید : اگر نمی بودند کسانی که با جلالم دوستی دارند و مساجدم را آباد می سازند و سحرگاهان استغفار می طلبند ، بی شک عذابم را فرو می فرستادم . [۸۳]

۸ سحرخیزی صحت بخش بدن و چنگ زدن به اخلاق پیامبران است و رضای پروردگار عالمیان را در پی دارد . [۸۴]

۹ «نبه بالتفکر قلبک ،

و جاف عن النوم[۸۵] جنبک و اتق الله ربک؛ با تفکر دلت را بیدار کن و شب هنگام برای نماز برخیز و از خدای خویش بهراس» . [۸۶]

انتبه قبل السحر یا ذالمنام نوبت عشرت بزن پیش آر جام

تا سوار عقل بر دارد دمی طبع شورانگیز را دست از لگام

دوری از بط[۸۷] در قدح کن پیش از آنک در خروش آید خروس صبح بام[۸۸]

سال ها مر خواب را گشتی اسیر یک شبی بیدار شو دولت بگیر[۸۹]

۱۰ شخصی خدمت آن حضرت رسیده و از فضیلت برپایی نماز و تلاوت قرآن در شب پرسیده ، آن حضرت فرمود :

مژده باد تو را که هر کس یک دهم شب را یک دله و با اخلاص برای خدا نماز گزارد و تنها خشنودی او را قصد کند ، حق تعالی به فرشتگان خود می فرماید تا به عدد دانه ها ، برگ ها ، درختان ، ریشه ها و شاخه هایی که از رود نیل بر زمین می روید برای او پاداش بنویسند .

و هر کس یک نهم شب را به نماز بایستد ، حق تعالی ده دعای او را به اجابت رساند و در روز واپسین نامه اعمالش را در دست راستش قرار می دهد . [۹۰]

و چنان چه کسی یک هشتم شب را نماز گزارد ، خداوند عالم پاداش کسی را که در جهاد ثابت قدم مانده و با نیتی راستین جنگ کرده و شهید شده است به او مرحمت می فرماید؛ و شفاعت او از کسان و یارانش را پذیرا می شود .

و اگر کسی یک هفتم شب را به نماز بایستد ، چون از قبرش برانگیخته شود چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشد و بی خطر از پل

صراط بگذرد .

و هر که یک ششم شب را نماز بخواند ، حق تعالی نام او را در زمره توبه کنندگان می نویسد و گناهانش را می آمرزد .

و آن که یک پنجم شب را نماز بگزارد ، خداوند او را در بهشت ، زیر قبه و سایه ابراهیم خلیل الرحمان بنشاند .

و هر که یک چهارم شب را نماز بپادارد ، حق تعالی او را در روز واپسین از رستگاران قرار دهد و چونان تندباد از صراط بگذرد و بی حساب وارد بهشت شود .

و هر که یک سوم شب را به نماز بایستد ، هیچ فرشته ای نماند جز آن که ارج و جایگاهش در نزد خداوند را آرزو کند و در روز رستاخیز به او خواهند گفت : از هر در بهشت که می خواهی وارد شو .

و اگر کسی نیمی از شب را نماز بخواند ، چنانکه هفتاد بار زمین را از طلا و جواهر پر سازند و به او بدهند هرگز با پاداش نماز برابری نمی کند و این عملش نزد خداوند از آزادسازی هفتاد بنده از فرزندان اسماعیل پیامبر(علیه السلام) بهتر است .

و هر کس دو سوم شب با نماز بپا دارد ، حق تعالی به او حسنه ای به عدد ریگ های بیابان عالج که کم ترین آن از کوه احد ده برابر سنگین تر است کرامت می فرماید .

و هر که یک شب تمام را نماز بگزارد و قرآن تلاوت کند و به رکوع و سجده و ذکر خدا مشغول باشد ، مانند روزی که از مادر به دنیا آمده از گناهان پاک شود و (فرشتگان) به عدد آفریده های خداوند در نامه عملش حسنات بنویسند و بر همین اساس او را

درجات دهند و بلند آوازه سازند ، حق تعالی قبر او را نورانی سازد و گناه و حسادت را از دل و جانش بردارد و او را از عذاب قبر ایمنی دهـد و دوری از آتش دوزخ را برای او بنویسد و در روز رسـتاخیز با کسانی که از دهشت های آن در امانند محشور شـود و حق تعـالی به فرشـتگان خود می فرمایـد : ای فرشـتگان من ، بنـده ام را بنگریـد که برای خشـنودی من یـک شب را با عبادتم زنـده نگاه داشـته است ، او را (به دقت) در بهشت ویژه جای دهید و در آن به او صد هزار شـهر و در هر شـهر هر آنچه دل خواهش کند و دیده از آن لذت برد و به خاطر کسی خطور نکرده است ، بدهید و برای او جز آنچه من برای او از کرامت ها و الطاف فراوان و قرب مقدس خود مهیا کرده ام ، مقرر کنید . [۹۱]

آثار سحرخیزی در نشانه های وضعی گفتار و کردار

اثرها و نشانه های وضـعی گفتار و کردار آدمی ، به یک باره ظاهر نمی شود ، بلکه آهسته آهسته جای خود را به یکدیگر می دهند؛ چه گفتارها و رفتارهای پسـندیده و یا ناپسـند . سـخنان ، کردارها و رفتارهای شایسته و ناشایست در روح و روان آدمی اثر ضـد و عکس هم دارنـد و گویا هر کـدام با سپاه خویش برآنند که دیگری را شـکست دهند و دست آوردهای او را نابود سازند . یکی می کوشد دل و جان انسان را فرود آرد ، سنگی و دست و پا بسته ، دژم ، با فهم و نگاهی در هم ریخته و کژ ، و با دیدگان کم

سو و بی فروغ بـدون چراغ و بلـد راه ، او را زبون و پست سـاخته از حقایق انسانی و فراسویی ، گمراه و گریز پا بپرورانـد و آن دیگری چنـان است که زنگـار پلیـدی را از قلب او پاک کرده ، درونگاه او را جلا دهـد؛ وجودش را بر فراز برده از دنیای سـه بعدی بیرونش کرده ، پرواز دهد و بر سـفره افاضه و اشـراق و خلسه و جذبه و لذت های بهجت انگیز میهمان کند و از تهذیب و یقین ، اثری آسـمانی اش بخشـد؛ روشـنایی ظاهر و باطن را به او هـدیه کند و وجودش را سـعه داده ، ادراکاتش را گسترش دهد و دیده اش را بینا و گوشـش را شنوا سازد؛ به گونه ای که از این ربایش و کشش روح مستعدش بتواند در باطن این عالم ، سـرک بکشـد و دیـدنی ها را ببینـد و از آن ها باخبر شود و به سـبب آمادگی و اسـتعدادش و ارادت قلبی اش افزایش یابد و دریافت های تازه داشـته باشد و حقایقی را کشف بنماید . و هر چند دیگران بدانند یا ندانند او خود را موظف خواهد دانسـت که کر و لال و دهـان دوخته بگذرانـد و هماره از نامحرم ، هر که باشـد حـذر کنـد و چونان لحظه های نخست این راه ، بلکه بیش از آن به هوش باشد که دل به هیچ نسپارد .

در خلوت شب های تارت می توانی آری به کف ، سرچشمه آب بقا را[۹۲]

نور نماز شب

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) می فرماید : نماز شب ، نور است . [۹۳]

نور آن است که در ظهور و ظاهر بودن به غیر نیاز ندراد ، بلکه دیگر چیزها

را نیز برای بروز و برآمدن ، بهره رساند . نور چنین است که هماره هم خود را شناسا کند و هم شناسایی اشیایی را که از این ویژگی برخوردار نیستند و پرده نشین عدم و برکنار از جوار وجودند و بر دامن تاری و سیاهی منزل دارند عهده دار است . نماز شب نور است؛ یعنی در بودن و نموداری بر خود تکیه دارند و نمازگزار را نیز برآورده ، به بود و وجود و فروزش و درخشش رساند و در جهانی دیگر میهمانش کند؛ بر فرازش برده تا راه را از بی راهه بازشناسد ، دیدگانش را پرفروغ و شعاع دید او را فراخ گرداند و آنچه را پیش تر نمی دیده از برکت نماز شب ، در آینه و منظر خویش بیاید و به قدر هوش و گنجایش و آمادگی اش ، از حقیقت انواع بر او پرده بردارند . علاوه بر آن ، نماز شب با توان بازدارنده و پس زننده ، تیرگی و رنجش روح و روان را کنار زده و خیرگی و چموشی دل و تمایلات نفسانی را مهار کند و با نیروی ربایش و کشش ، دارایی و ارزاق مادی و معنوی سحرخیز را ضمانت کند .

مرا در این ظلمات آنکه رهنمایی کرد نیاز نیم شبم بود و گریه سحری

حضرت عیسی(علیه السلام) در موعظه هایش به مسیحیان می فرماید :

شما را سخنی راست و درست می گویم : سعادتمند آنانند که سحرخیزند؛ آن ها کسانی اند که نور ماندگار را به ارث می برند؛ زیرا در تاریکی شب برمی خیزند . [۹۴]

«چرا تهجد و شب زنده داری و دعا از اسباب تحصیل علم است . بدین خاطر است که علم همان گونه که

در بعضی از روایات به این مطلب تصریح شده است به کثرت تعلم و مطالعه نیست ، بلکه علم نوری است که خدا در دل هر یک از بندگان خود که بخواهد می افکند و شب زنده داری و مناجات در دل شب ، دل را نورانی می گرداند و باعث ثبات نور در دل مؤمن می شود . . . بسیاری از محصلین را می شناسم که اهل تهجد و شب زنده داری بودن و همین امر سبب استقامت فهم و باروری ذهن آن ها در وصول و دست یابی به مطالب حقه در مسایل علمی گشت و به مراتب عالیه علمی نائل آمدند و به خلاف طلابی که پیوسته به مطالعه کتب علمی مشغولند که کم تر می شود فرد صاحب نظری از میان آن ها برخیزد» . [۹۵]

پاداش بی کران

از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که برای هر عملی که بنده خدا انجام می دهد ، در قرآن پاداشی هست؛ جز نماز شب ، زیرا خداوند برای آن به دلیل شکوه و عظمتی که دارد هیچ پاداشی ذکر نکرده است . [۹۶]

به چند دلیل :

الف) حقیقت و ارزشمندی برخی از مسائل فرازین در واژه های این سویی نمی گنجد و در واقع این جامه بر آن قامت ، کوتاه است و راست نمی آید .

ب) پنهان بودن پاداش برخی از کردارها ، شعف انگیز و با فصاحت و بلاغت سازگارتر است .

ج) جزا و سزای نماز شب با خود این عمل و زمان برگزاری آن ، یعنی تاریکی همگون است .

د) ظرف دنیا ، تنگ و گنجایش آن کم و اندک است . از این رو ، ممکن نیست بتواند پذیرای عظمت پاداش نماز شب باشد .

و) ویژگی های ثواب نماز شب

، فراتر از نفوذ دانش و تیزبینی خرد و درک انسان است . [۹۷]

«و لهم فیهما ما یشائون و لدینا مزید؛ و در بهشت هر چه را بخواهند از آنِ آنان خواهد بود و نزد ما افزون بر آن است» . [۹۸]

«و فیهما ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین؛ و در بهشت است آنچه دل ها هوس کنند و دیده ها لذت برند» . [۹۹]

پس دور نیست که به تعبیر روایات دینی ، دو رکعت نماز و سرشک و گونه تر در دل شب آن هم تنها برای پرواز از خداوند و خرسندی آن عزیز ، از دنیا و هر چه در آن است سودمندتر باشد و پاداشی بی نهایت به فراخور جهان بی کرانه به خود گیرد و حتی زندگی دنیایی نمازگزار را ممتاز و متعالی سازد و به نور خویش بیفروزد .

همدمی با اهل سحر و هم نشینی با سرخوشان مست جام لدینا مزید و به نظاره نشستن نشانه های رحمت خدایی و استشمام بوی دلآویز بهشت گونه و نسیم خنکی که از جان و حکمت های دهان ملکوتی آنان می وزد و معرفت انسان را می نوازد ، گواه این مدعاست .

چو شو گیرم خیالش را در آغوش سحر از بسترم بوی گل آیو[۱۰۰]

سلیمان بن خالد از امام باقر(علیه السلام) روایت می کند که امام به او فرمود :

آیا می خواهی تو را از دروازه های خیر آگاه سازم ؟

سلیمان : فدایتان گردم بفرمایید .

امام : روزه ، سپری در برابر آتش دوزخ است؛ صدقه (کمک رایگان به دیگران) ، گناه و اشتباه را از بین می برد؛ و بیداری در دل شب برای ذکر خداوند (هفتاد مرتبه طلب مغفرت در نماز وتر[۱۰۱]) سپس آیه یاد

شده (تتجافی . . .) را خواندند . [۱۰۲]

البته امام باقر(علیه السلام) نیز با پیروی از قرآن ، برای نماز شب ، پاداشی ذکر نکرده است .

از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است که آیه یاد شده درباره امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و شیعیان ما نازل شده است ، آنان که در ابتدای شب به خواب می روند و چون از شب دو سوم یا به مقداری که خدا خواست بگذرد از خواب برمی خیزند و به سوی پروردگارشان ناله و زاری می کنند؛ در حالی که با میل و امید و هراس اند و در عطایایی که خداوند در کتابش برای پیامبر خویش یاد کرده ، از اقامت در جوار او ، ورود به بهشت ویژه و امان از ترس و وحشت ، حرص می ورزند . [۱۰۳]

در شب دل زنده را به حق میل بود در دیده شبروان او سیل بود

امام علی(علیه السلام) می فرماید :

خوش بخت و سعادتمند کسی است که فرایض پروردگار خویش را به انجام رسانده ، رنج ها را (مانند سنگ آسیا دانه را) خرد کرده و شب هنگام از خواب دوری گزینند و چون خواب بر او چیره شود ، زمین را تشک و دست خود را بالش قرار می دهد؛ در حالی که از زمره گروهی است که بیم روز واپسین ، خواب را از چشمان شان ربوده و پهلویشان از خوابگاه آنان جدا شده و به ذکر پروردگارشان زمزمه دارند و گناهان خویش را با استغفار پی در پی برطرف می سازند . آنان حزب الله اند ، همانا به حقیقت حزب الله رستگارست . [۱۰۴]

روایت است که خداوند به خاطر سحرخیزی نیکوکاران جامعه از خشم خود و عذاب

گنه کاران صرف نظر می کند . [۱۰۵]

راستی که نماز شب ، خیر دنیا و آخرت است و نگریستن به آن از دریچه نگاه انسان کامل دل و جان آدمی را به شور وجود می آورد .

مرحوم علامه طباطبایی(ره) می گفت : من وقتی برای تحصیل به شهر مقدس نجف اشرف مشرف شدم ، از آن جهت که با مرحوم عارف ربانی سید علی قاضی ، خویشی و نسبت داشتم ، گاهی از اوقات به محضر آن حضرت شرفیاب می شدم ، تا این که روزی جلو در مدرسه ایستاده بودم ، مرحوم قاضی از آنجا می گذشتند . وقتی به من رسیدند ، دست شان را بر شانه من گذاردند و گفتند : ای فرزند ، دنیا می خواهی نماز شب ، آخرت هم می خواهی نماز شب .

و علامه پس از آن برخورد رمزآلود و این موعظه ژرف و تأثیرگذار نه از نماز شب جدا شد و نه مرحوم قاضی را رها کرد .

هر دل که پریشان شود از ناله بلبل در دامنش آویز که با او خبری هست

خدای متعال روح استاد آیت الله ایازی را در جوار و جرگه آل الله جای داده ، بَر سفره رزق رب میهمان فرماید ، ایشان همواره طلبه ها را به سحرخیزی دعوت می کرد و آنان را حتی در نحوه راه رفتن به سکوت و آرامش و رعایت حال دیگران فرا می خواند؛ در مجموعه «راز سر به مهر» که به نام ایشان نوشته ام ، یاد کرده ام :

روزی خدمت «آقا جان»[۱۰۶] مشرف شدم . بعد از اقامه نماز ظهر به امامت آقا و صرف نهار همیشگی ، آش دوغ و استفاده محضر و بیانات آن عزیز ،

هنگام مرخص شدنم ، گفتم : آقا جان ، عرضی داشتم . ا و با لحن همیشگی اش فرمود : «بگو بابا» . گفتم اسم من این است (محمد هادی) و نام فامیل ما این (فلاح) ، شما اهل سحرید ، درخواست من از شما این است که در آن اوقات خوشتان ، وقت سحر نزد خداوند را به اسم و نام فامیل یاد کنید و برای بیچارگی ام دعایی بفرمایید که ناگه بی اختیار ، اشک ، امانم را برید و آن عزیز مرا به سینه خود چسباند و فرمود : «خدا توفیقتان دهد . » من نیز بی درنگ ، قلب نازنین او را که ذکر الله ، الله می گفت ، بوسیدم .

اگر چه مستی عشقم خراب کرد ، ولی اساس هستی من زان خراب آباد است[۱۰۷]

از امام علی(علیه السلام) روایت است که سحرخیزی چهار اثر دارد

۱ تن درستی؛ ۲ رضایت پروردگار؛ ۳ تمسک به اخلاق پیامبران؛ ۴ دست رساندن به رحمت خداوند . [۱۰۸]

ضمانت رزق و زیبایی چهره

امام صادق(علیه السلام) می فرماید : دروغ می گوید کسی که نماز شب می خواند و گمان برده (می گوید) گرسنه می ماند؛ زیرا نماز شب ، عهده دار رزق روزانه است . [۱۰۹]

«گره های روز را با نماز شب باز می کند» . [۱۱۰]

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید : خدای تعالی به دنیا پیغام داد که هر کس بنده تو باشد ، او را رنجور دار و آن که تو را رها سازد در خدمت او باش . هر گاه بنده ای با خداوند در دل شب تنها و دور از چشمان دیگران با او به مناجات بنشیند ، حضرتش نور را در قلب او ماندگار سازد و چون یا

رب یارب بگوید از سوی خداوند خطاب رسد : لبیک بنده من ، هر چه خواهی طلب کن تا تو را بخشم و کارهایت را به من واگذار که تو را بسنده باشم؛ سپس به فرشتگانش می فرماید : ای فرشتگان من ، بنده ام را بنگرید که در دل این شب تیره با من خلوت نشسته است؛ در حالی که دیگران به بطالت سرگرم و به غفلت خواب اند . ای فرشتگانم ، گواه باشید که من از او درگذشتم . [۱۱۱]

نماز شب ، چهره را زیبا ، خلق و خوی را نیکو ، فرد را خوش بو ، رزق را مهیا می سازد و بدهی را ادا می کند و اندوه را از میان برده و دیده را جلا می بخشد . [۱۱۲]

امام رضا(علیه السلام) می فرماید : از امام علی بن الحسین(علیه السلام) پرسیده شد : چرا چهره سحرخیزان از همه مردم زیباتر است ؟ امام فرمود : زیرا آنان با خداوند خلوت می کنند و آن حضرت از نور خود برقامتشان می پوشاند . [۱۱۳]

آن را که نشان ضرب عشق است از چهره او چو نور پیداست

ضمانت روزی معنوی

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود :

بر شما باد به برپایی نماز شب؛ زیرا این عمل ، شیوه بندگانی است که با آن به پروردگارشان نزدیک می شوند و از گناهان پاک می گردند . [۱۱۴]

حاملان قرآن و شب زنده داران ، بزرگواران و آبرومندان امتم هستند . [۱۱۵]

بهترین شما کسی است که سخنان پاکیزه گوید و میهمان پذیر باشد و طعام دهد و شب هنگام در حالی که مردم خوابند ، برخیزد و نماز بگزارد . [۱۱۶]

از امام صادق(علیه السلام) روایت شده که هر کس در پایان نماز

وتر ، هفتاد مرتبه «استغفر الله ربی و اتوب الیه» بگوید و تا یک سال بر آن مداومت کند نام او در زمره «المستغفرین بالاسحار»[۱۱۷] نگاشته می شود . [۱۱۸]

روایت است که خدای تعالی به حضرت داود وحی فرمود :

ای داود ، همواره در تاریکی شب استغفار کن ، که هر کس وقتی مردم خوابند ، تنها برای من به نماز بایستد ، فرشتگانم را فرمان دهم تا برای او استغفار کنند و بهشت ویژه من او را آرزو کند و هر تر و خشکی برای او دعا خواند . [۱۱۹]

ای داود ! همانا من بندگانی دارم که از میان دیگران مرا دوست می دارند و من هم آنان را دوست دارم . آن ها مشتاق من اند و من نیز مشتاق آنانم؛ آنان مرا یاد می کنند ، من هم آن ها را یاد می کنم ، آنان به من می نگرند ، من نیز به آنان می نگرم (ای داود !) اگر تو نیز به طریقت آنان گام نهی تو را هم دوست خواهم داشت و چنانچه از راه آنان بازگردی تو را دشمن می دارم .

(داود) گفت : پروردگارا ! نشانه اینان چیست ؟

خداوند فرمود : چشم به سایه روز دوخته اند؛ چنان که چوپان به رمه خود چشم دوخته است ، اینان غروب آفتاب را آرزو دارند ، چونان که پرنده بازگشت به سوی لانه اش را آرزو می کند و چون شب همه جا را بپوشاند و با تاریکی درآمیزد و بسترها پهن گردند و تخت خواب ها برپا شوند و هر دوستداری با دوستدارش خلوت کند ، اینان قدم هایشان را به سوی من می گمارند و گونه هایشان را (بر زمین) می گسترانند و با سخنان من

مرا می خوانند و به خاطر نعمت هایم نشسته ، ایستاده ، در حال رکوع و سجده لابه کرده ، ضجه می زنند و گاه گریه کنان آه می کشند و شکوه می کنند ، من آنان را می بینم که به خاطر من چه تحملی می کنند و می شنوم که از دوستی (دوری) ام گلایه دارند .

(ای داود) نخستین چیزهایی که به آنان می دهم سه چیز است ؟

۱ از نور خویش در دل هایشان می افکنم (در نتیجه) آنان از من آگاه می شوند؛ چونان که من از آنان آگاهم .

بر او علم یک ذره پوشیده نیست که پیدا و پنهان به نزدش یکی است

۲ اگر آسمان ها و زمین و هر آنچه در آن هاست ، در ترازوی عملشان قرار گیرد ، من همه این ها را اندک می شمارم .

۳ رویکردم به سوی آنان است ، (ای داود) از نگاه تو آنکه را من به سویش رو کنم (آیا) کسی می داند که می خواهم چه به او عطا کنم ؟ [۱۲۰]

پیامبر(صلی الله علیه و آله) می فرماید :

خداوند ابراهیم(علیه السلام) را به دوستی برنگزید؛ جز به این خاطر که میهمان نواز بود و در حالی که مردم به خواب بودن او به نماز شب می ایستاد . [۱۲۱]

به نیمه شب که همه مست خواب خوش باشند من و خیال تو و ناله های دردآلود

امام خمینی(ره) ذیل همین روایت می فرماید :

«در فضیلت نماز شب تنها همین روایت برای اهل آن بسنده است ، ما نمی دانیم خلعت خلت (دوست شدن با خداوند) چه خلعتی است و این که حق تعالی بنده ای را به دوستی برگزیند ، چه مقامی است ؟ تمام عقل ها از تصور آن درمانده اند؛ اگر همه بهشت ها را به خلیل (دوست خدا)

بدهند ، او به آن ها نگاه هم نکند؛ برای مثال ، اگر کسی را دوست بداری و او نزد تو عزیز باشد و برتو وارد شود ، تو با وصال جمال و دیدار او از هر ناز و نعمتی باز مانی و بی نیاز گردی ، و این مثل با دوستی حق تعالی بسیار بی تناسب و فرق بین مشرقین است . [۱۲۲]

چنانچه بیداری شب انسان را به حقیقت و سرّ نماز آگاه کند و با ذکر و فکر حق انس بگیرد و شب ها ، مطیه[۱۲۳] معراج قرب او شود ، که دیگر جز جمال جمیل حق برای او چیزی نتواند بود . »[۱۲۴]

از پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) روایت است که : هرگاه خداوند نماز شب را روزی مرد و زنی می فرماید و او از خواب برخیزد و یک دله و با اخلاص تنها برای خدا وضوی کاملی بسازد و با نیتی راستین و دلی درست و دور از بدی ها و با خشوع و دیده ای گریان به نماز بایستد ، خداوند نه صف از ملائکه را پشت سر او قرار می دهد؛ چونان که عدد هر صف را جز خداوند کسی نتواند بشمارد؛ به گونه ای که یک سر صف در مشرق و طرف دیگر آن در مغرب باشد و چون از نماز فارغ شود ، به عدد ملائکه بر او درجات بنویسند . [۱۲۵]

لذت و بهجت نماز شب

یا رب شب دوشین چه مبارک سحری بود .

استا شهید مطهری می گوید :

«ما یک سلسله لذت های معنوی داریم که معنویت ما را بالا می برد . برای کسی که اهل تهجد و نماز شب است ، جزو صادقین و صابرین و مستغفرین

بالاسحار باشد ، نماز شب لذت و بهجت دارد ، آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می برد ، از آن «استغفرالله ربی و اتوب الیه»ها می برد ، از آن «العفو گفتن ها و یاد کردن و دعا کردن های حداقل چهار مؤمن می برد ، و آن لذتی که از آن «یا رب یا رب» گفتن ها می برد ، هیچ وقت یک آدم عیاش . . . احساس نمی کند .

لذت آن نماز شب خوان خیلی عمیق تر ، نیرومند تر و نشاط بخش تر است» . [۱۲۶]

پاداش پس از مرگ

امام حسین(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل می کند :

آنکه عمرش را با شب خیزی و بندگی خداوند به پایان رساند اهل بهشت خواهد بود . [۱۲۷]

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید :

در روز واپسین بعد از آن که حق تعالی همه انسان ها را گرد هم آورده ، ندایی به گوش می رسد که می گوید :

آنان که در دل شب از بستر خابشان کناره گرفته ، خدا را می خواندند و از خشم او در هراس بودند ، گام پیش نهند ، سپس گروهی قدم فرا نهادند پیش از دیگران بر مقام خویش وارد می شوند و پس از آنان به حساب مردم رسیدگی می شود . [۱۲۸]

به سند صحیح از آن حضرت روایت است که فرمود :

در بهشتی که اقامت گاه همشیگی است ، درختی وجود دارد که از آن اسب های دو رنگ (سیاه و سفید) با زین هایی از یاقوت و زبرجد (سنگی گران بها) و دارای یال و پر و بدون فضولات حیوانی بیرون می آید؛ دوستان خدا بر آن ها سوار می شوند و به هر کجا که بخواهند

پرش می کنند و چون اهل بهشت آن ها را ببینند خطاب به آنان می گویند : ای برادران ، با ما به انصاف رفتار نکردید ، سپس از خداوند می پرسند : پروردگارا ! این بندگانت چگونه به این مقام رسیده اند ؟ ملکی از عرش ، بانگ زند که اینان در دنیا شبانگاه برای نماز از خواب برمی خواستند؛ در حالی که شما خواب بودید ، آنان روزه داشتند ، ولی شما طعام می خوردید ، آن ها در راه خدا انفاق می کردند و شما دست تنگ می داشتید ، آنان خدا را بسیار به یاد می آوردند و هر چند او را دوست می داشتند ، ولی از ترس و هراس (عذاب) او گریه سر می دادند . [۱۲۹]

هم چنین روایت است که حق تعالی به حضرت موسی(علیه السلام) فرمود :

ای موسی ! در نماز شب ، تاریکی قبر را به یاد آور . [۱۳۰]

ای موسی ، در تاریکی شب از از خواب برخیز (و با من به نجوا بنشین) تا قبرت را باغی از باغ های بهشت قرار دهم . [۱۳۱]

این عبادت از موعظه های ابوذر غفاری بر در کعبه به حاجیان است که می گفت :

حجی به جای آور که تو را به اهداف بلند برساند ، روزه ای بگیر که تو را از رنجش قیامت باز دارد و برای ایمنی از وحشت قبر در تاریکی شب دو رکعت نماز بگزار . [۱۳۲]

عارفی را پس از مرگش به خواب دیدند و از او پرسیدند : «خدای با تو چه کرد ؟ گفت : این همه اشارت ها ناپدید شد و آن همه عبارت ها همه ناچیز شد و هیچ چیز به کار نیامد مگر آن تسبیح ها که بامدادان

کردمی» . [۱۳۳]

مرا در این ظلمات آنکه رهنمایی کرد نیاز نیم شبی بود و گریه سحری[۱۳۴]

اشک های سحری

اشک ریزی ، به ویژه سرشک سحری که از یادآوری گناهان و ترس و هراس از عذاب خدای قهار و سختی های روز واپسین بر گونه های خداگرایان جاری می شود ، به چند دلیل بهترین آداب به شمار می آید :

۱ گریستن بر رقت قلب ، و نرمی و نازکی دل بر اخلاصی دلالت دارد که اجابت در دامانش حاصل است .

۲ نشانه انقطاع الی الله و داشتن خشوع فراوان است .

۳ گردن نهادن به توصیه ها و فرمانی است که خدای سبحان به پیامبرانش داشته است؛

۴ ویژگی هایی را که اشک ریزی داراست در طاعات دیگر یافت نمی شود . [۱۳۵]

از آیت الله جوادی آملی نقل است : دل مؤمن که عرش رحمان خوانده شده ، بر اشک استوار است؛ زیرا «قلب المؤمن عرش الرحمن» و «کان عرشه علی الماء»[۱۳۶] .

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

خداوند به حضرت موسی(علیه السلام) می فرماید :

ای پسر عمران . . . از دیدگانت اشک را به من ببخش . [۱۳۷]

به حسن آنچه که دادند ندانه اند مگر همه از اشک بصر بوده و آه سحری

از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) روایت است که :

۱ هر چیزی را پیمانه و سنجشی است ، جز گریستن (برای خدا) که یک قطره از آن دریاهایی از آتش (عذاب) را فرو می نشاند . [۱۳۸]

۲ چنانچه در یک ملت و گروهی تنها یک نفر آن ها از بیم (عذاب) خداوند بگرید ، حق تعالی بر همه آنان ترحم کند . [۱۳۹]

۳ گریستن از ترس (عذاب) خداوند ، موج های

دریای خشم حق تعالی را فرو می نشاند . [۱۴۰]

۴ هر کس از گناهی بگرید بخشوده می شود ، و هر که از ترس آتش عذاب گریه کند ، خداوند او را از آتش ایمن گرداند و آنکه از شوق بهشت به گریه افتد ، خداوند در بهشتش جای دهد و ایمنی از هراس بزرگ قیامت را برای او بنویسد . و اگر کسی از بیم (قهر) خداوند اشک بریزد ، آن حضرت او را با پیامبران و صدیقان و شهدا و نیکان محشور سازد و اینان چه نیکو رفقایی هستند . [۱۴۱]

۵ هیچ مؤمنی نیست که سرشگ چشمانش به اندازه پر مگسی بر گونه هایش جاری گردد ، جز آنکه خداوند آتش را بر روی او حرام کند .

کنونت که چشم است اشکی ببار زبان در دهان است عذری بیار

در برخی از احادیث آمده است هر چند به اندازه سر مگش هم باشد از چشمانش اشک بگیرد .

از امام صادق(علیه السلام) روایت است :

من نور قلب را می جستم ، آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم .

نقل است که کسی «پیامر(صلی الله علیه و آله) را در خواب دید ، پیامبر وی را فرمود : قرآن خواندی ، گریستن کو ؟ »

پیامبر(صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود :

یا علی ، بر تو باد به گریستن از ترس و هراس (عذاب) خداوند که به ازای هر سرشک آن ، خانه ای در بهشت برای تو بنا می شود .

تا به خرمن برسد کشت امیدی که تو راست چاره کار به جز دیده بارانی نیست

گویند کسی رویی زیبا به خواب دید و می گفت : هرگز از آن نیکوتر

ندیه بودم . چونان که می درخشید ، به او گفتم : چه نیکو رویی داری ، گفت : یاد داری آن شب که بگریستی ؟ گفتم : دارم ، گفت : من از آن اشک تو برگرفتم ، به روی خویش اندر مالیدم ، روی من چنین شد که می بینی . [۱۴۲]

همچنین در حدیث است که اگر دل و جانت بسته بود و دیدگانت بخیلی کردند ، خود را به حالت گریه درآور . [۱۴۳]

تاک خویش از گریه های نیمه شب سیراب دار کز درون او شعاع آفتاب آید برون

گر به روی تو حریم خویش را در بسته اند سر به سنگ آستان زن ، لعل ناب آید برون[۱۴۴]

ولی بدانیم که خشکی و بسته شدن دیده هایمان از سنگ دلی است و برای این که در پیشگاه خداوند دلی نرم و نازک و دیدگانی سخاوتمند داشته باشیم باید که پیش تر ، از خود مراقبت کنیم و در دست یافتن به آن بکوشیم . باور کنیم که جهان را صاحبی باشد خدا نام ، نگاه او را بپذیریم و نزد او آبروداری کنیم .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید :

اگر کسی از شما خواست بداند که جایگاه و منزلت او نزد خداوند چون است باید بنگرد جایگاه و منزلت خداوند نزد او در هنگام گناه چگونه است .

«شیخ بو علی دقاق ، مریدی داشت بازرگان [که] بیمار شد [ه بود] ، شیخ به عیادت وی آمد و پرسید که تو را چه شد ؟ بازرگان گفت : شب برخاستم که وضو سازم تا نماز شب به جای آرم تابی بر پشت من افتا و دردی سخت پدید آمد و

تب در پیوست [دردش ادامه یافت] . استاد [شیخ بوعلی دقاق] گفت : تو را به این فضولی چه کار که نماز شب کنی ؟ تو را [وابستگی به] مردار دنیا از خویشتن دور می باید کرد؛ کسی را که سر[ش] درد کند و طِلا[۱۴۵] بر پا نهد ، هرگز به نشود و چون دست[ش] نجس گردد [و] آستین شوید ، هرگز پاک نگردد» . [۱۴۶]

تحصیل معرفت

اشک و سرشک دیده می بایست که از هراس درونی و حقیقی و از سر معرفت و شناخت ژرف با پیش زمینه ای از نگاه مطالعاتی و اندیشه ای و از سر عشق و مهرورزی باشد و الا جز شوری آن ، چیزی به دست و دل سود ، نرسد .

گوهر معرفت اندوز که با خود ببری که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

«کلید همه خوبی ها و سعادت ها ، معرفت خدا و محبت اوست ، و لذیذترین لذات و خوشی ها در ا نس با خداست» . [۱۴۷]

در زیارت شریف عاشورا می خوانیم : «فأسئل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم؛[۱۴۸] پس از خداوندی سؤال می کنم که مرا به معرفت شما گرامی داشته است» . پس گرامی داشتن در نزد خدا از جمله بر معرفت آل الله مبتنی است و بر آن تکیه دارد . هم چنین است گرسیتن در پیشگاه خدا ، و فراتر از آن ، زسیتن ایده آل جز بر پایه شناخت بنا نمی شود و زندگی ، بی معرفت هیچ امنیت ندارد و گوارا نیست .

گر کیمیا دهندت بی معرفت گدایی ور معرفت دهندت بفروش کیمیا را

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود :

چه بسا تلاشگری که نشسته باشد و پیش نرود و چه بسا بیداری که خفته باشد . [۱۴۹]

هم چنین

امام زین العابدین(علیه السلام) می فرماید : ترس این نیست که کسی گریه کند و از دیده هایش اشک بریزد ، ولی از پارسایی که او را از گناهان باز دارد برخوردار نباشد که این جز ترس کاذب نیست . [۱۵۰]

بی کمال سوز دردی نام دین هرگز مبر بی جمال شوق وصلی تکیه بر ایمان مکن

شهید مطهری درباره گروه خوارج می نویسد : «آنان [خوارج] دوازده هزار نفر بودند که از سجده زیاد ، پیشانی شان و سر زانوهاشان پینه بسته بود؛ زاهدانه می خوردند و زاهدانه می پوشیدند و زاهدانه زندگی می کردند؛ زبانشان همواره به ذکر خدا جاری بود ، ولی روح اسلام را نمی شناختند و ثقافت اسلامی نداشتند؛ همه کسری ها را با فشار بر روی رکوع و سجود می خواستند جبران کنند؛ تنگ نظر ، ظاهرپرست ، جاهل و جامد بودند و سدی بزرگ در برابر اسلام» . [۱۵۱]

به گوش امیرالمؤمنین(علیه السلام) رساندند ، فلانی که از خوارج است ، وقت سحر برای نماز برمی خیزد و قرآن می خواند ، امام فرمود : «خوابی که بر یقین استوار باشد از نمازی که بر شک و تردید بلغزد سودمندتر است» . [۱۵۲]

و نیز از آن حضرت روایت است :

چه بسا روزه داری که از روزه گرفتنش جز گرسنگی و تشنگی سود نبرد و چه بسا نمازگزاری که از سحرخیزی اش جز بیداری و رنجوری عایدش نشود ، چه خوش است خواب زیرکان و طعام خوردنشان» . [۱۵۳]

امام صادق(علیه السلام) می فرماید :

اگر مردم می دانستند که در معرفه الله چیست ، هرگز به زندگی دنیای دشمنان و نعمت های آن که همچون شکوفه می درخشند ، چشم نمی دوختند و دنیای آن ها در نظرشان از آنچه که زیر پای خود می گذارند بسی کم ارج تر می بود

! و با معرفت خدا متنعم می شدند و از آن مثال شادمانی کسی که همواره در باغ های بهشت با دوستان خدا است لذت ها می بردند .

همانا معرفه الله ، آشنایی در شرایط ترس و دلتنگی ، همراهی در تنهایی ، روشنایی در تاریکی ، نیرویی در بربر ناتوانی و بهبودی هر دردی است . [۱۵۴]

جای دارد در این بخش از حالات سحری امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) یاد کنیم : «حبه عرنی و نوف بکالی؛ شب را در صحن درالاماره کوفه خوابیدند . بعد از نیمه شب دیدند امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) آهسته از داخل قصر به طرف صحن حیاط می آید ، ولی با حالتی غیر عادی ، دهشت فوق العاده ای بر او مستولی است ، قادر نیست تعادل خود را حفظ کند ، دست خود را به دیوار تکیه داده و خم شده و با کمک دیوار قدم به قدم پیش می آید و با خود آیات آخر سوره آل عمران را زمزمه می کند :

ان فی خلق السموات و الارض واختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی الالباب . الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و . . . انک لا تخلف المیعاد .

همین که این آیات را به آخر رساند از سر گرفت ، مکرر این آیات را در حالی که از خود بی خود شده بود و گویی هوش از سرش پریده بود تلاوت کرد .

حبه و نوف هر دو در بستر خویش آرمیده بودند و این منظره عجیب را از نظر می گذراندند ، حبه مانند بهت زدگان خیره خیره می نگریست ، ولی نوف نتوانست جلو اشک چشم خود را بگیرد و مرتب گریه می کرد ، تا این که امیرالمؤمنین(علیه السلام)

به نزدیک خوابگاه حبه رسید و گفت :

خوابی یا بیدار ؟

بیدارم یا امیرالمؤمنین ، تو که از هیبت و خشیت خدا این چنین هستی پس وای به حال ما بیچارگان !

امیرالمؤمنین چشم ها را پایین انداخت و گریست ، آن گاه فرمود :

ای حبه ، همگی ما روزی در مقابل خداوند نگهداشته خواهیم شد ، و هیچ عملی از اعمال ما بر او پوشیده نیست ، او به من و تو از رگ گردن نزدیک تر است . هیچ چیز نمی تواند بین ما و خدا حائل شود .

آن گاه به نوف خطاب کرد :

خوابی ؟

نه امیرالمؤمنین ، بیدارم ، مدتی است که اشک می ریزم .

ای نوف ، اگر امروز از خوف خدا زیاد بگریی ، فردا چشمت روشن خواهد شد .

ای نوف ، هر قطره اشکی که از خوف خدا از دیده ای بیرون آید ، دریاهایی از آتش را فرو نشاند .

ای نوف ، هیچ کس مقام و منزلتش بالاتر از کسی نیست که از خوف خدا بگرید و به خاطر خدا دوست بدارد .

ای نوف ، آن کس که خدا را دوست بدارد ، و هر چه را دوست می دارد به خاطر خدا دوست بدارد ، چیزی را بر دوستی خدا ترجیح نمی دهد و آن کس که هر چه را دشمن می دارد به خاطر خدا دشمن بدارد ، از این دشمنی جز نیکی به او نخواهد رسید . هرگاه به این درجه رسیدید حقایق ایمان را به کمال دریافته اید .

سپس لختی حبه و نوف را موعظه کرد و اندرز داد؛ آخرین جمله ای که گفت این بود : از خدا بترسید ، من به

شما ابلاغ کردم .

آن گاه از آن دو نفر گذشت و سرگرم احوال خود شد ، به مناجات پرداخت ، می گفت : خدایا ، ای کاش می دانستم هنگامی که از تو غفلت می کنم تو از من رو می گردانی یا باز به من توجه داری ؟ ای کاش می دانستم در این خواب های طولانی ام و در این کوتاهی کردنم ، در شکرگزاری ، حالم نزد تو چگونه است ؟

حبه و نوف گفتند : به خدا قسم ، دائما راه رفت و حالش همین بود تا صبح طلوع کرد» . [۱۵۵]

تا به خرمن برسد کشت امیدی که تو راست چاره کار به جز دیده بارانی نیست

یکی از اصحاب امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حضور معاویه از حالات شبانگاهی آن حضرت بازگفت (به گونه ای که معاویه این دشمن دیرینه امیرالمؤمنین را به گریه واداشت)؛

«گواهی می دهم که من به چشم خود دیده ام آن حضرت در جاهایی از عبادتش ، وقتی شب پرده اش را بر همه جا می گسترانید او در محرابش به نماز می ایستاد و ریش مبارکش را در دست خود می گرفت و چونان مارگزیده ای به خود می پیچید و مثال دل سوخته ای می گریست و می گفت :

آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و کلانی و بزرگی محل فرود . [۱۵۶]

ابودرداء می گوید : امیرالمؤمنین(علیه السلام) را در حالت سجده به گونه ای مشاهده کردم که گویی هیچ صدایی نمی شنود و حرکتی ندارد ، فریاد زدم : سوگند به خدا علی(علیه السلام) مرده است ، شتابان به فاطمه(سلام الله علیها) خبر دادم که امیرالمؤمنین(علیه السلام) در مسجد فوت کرده است .

فاطمه به من فرمود :

هی و الله الغشیه التی تأخذه من خشیه الله .

به خدا سوگند این حالت ، نوعی

بیهوشی از ترس خداست که بر امیرالمؤمنین(علیه السلام) عارض می شود . [۱۵۷] (ابودرداء تو یکبار دیده ای ، فاطمه همیشه امیرالمؤمنین را به این حال مشاهده می کند؛ این حالت امیرالمؤمنین برای فاطمه ناآشنا نیست) .

علی آن شیر خدا شاه عرب الفتی داشته با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه است دل شب محرم سر الله است

شب شنفته است مناجات علی جوشش چشمه عشق ازلی

در جهانی همه شور و همه شر ها علی بشر کیف بشر

شبروان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی[۱۵۸]

امیرالمؤمنین(علیه السلام) ضمن توصیف حالات پرهیزکاران در شب و سحر ، دیگران را نیز راه می نماید و چگونه بودن و زیستن در هر سحر را به آنان می آموزد :

پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند؛

قرآن را جز جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند؛

با قران جان خود را محزون ساخته و داروی درد خود را می یابند؛

وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است ، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پر شوق در آن خیره شوند ، و گمان می برند که نعمت های بهشت در برابر دیدگانشان قرار دارد؛

هر گاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد ، گوش دل به آن می سپارند و گویا صدای بر هم خوردن شعله های آتش ، در گوششان طنین افکن است؛

پس قامت به شکل رکوع خم کرده ، پیشانی و دست و پا بر خاک می سایند؛

از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می طلبند؛

در روز ، دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند . [۱۵۹]

از پیشوایان دینی نقل شده است

که از نشـانه هـای پیروان امیرالمؤمنین(علیه السـلام) این است که هر گاه شب همه جا را بپوشانـد ، آنان زمین را بستر خود می سازند و با پیشانی شان روی به زمین ، سـجده هایشان بسـیار و سرشک دیده هاشان فراوان و دعا و خواسته آن ها (از خداوند) فراوان است؛ مردم شادمانند؛ در حالی که آنان به دل اندوه دارند . [۱۶۰]

نقـل است مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی این مست ولای مولایش امیرالمؤمنین و آموخته مکتب علوی شب ها که برای نماز شب از خواب برمی خاستند؛ ابتدا مدتی در همان بسترشان بلند بلند گریه می کرد .

با یاد خوشت خسبم ، در خواب خوشت بینم از خواب چو برخیزم ، اول تو به یاد آیی

سپس بیرون آمـده بـا نگـاه به آسـمان آیـات آخر سوره آل عمران را قرائت می کرد و سـر بر دیوار می گریست و بـاز پس از تطهیر و پیش از وضو کنـار حوض می نشـست و اشک می ریخت . و تا رسـیدن بر سـر سـجاده و شـروع نماز شب چنـدین جا نشسته و برخاسته ، گریه می کرد و چون به نماز می ایستاد ، دیگر حال و وصال در نمازشان به وصف نگنجد . [۱۶۱]

در گلستان خواهش ، بی شبنم سرشکی گل دسته دعا را رنگ اثر نباشد

بی فیض گریه عاشق ، از نشئه بی نصیب است پیمانه تهی دان چشمی که تر نباشد

گریه و ناله امروز تو ، به درگاه الهی ، و بی شک از گریه نسیه و شیون فردای دیگران برای تو ، عاقلانه و سودمندتر است .

خداوند به حضرت موسی و عیسی(علیهماالسلام) فرمود :

ای موسی ، تا در دنیایی به حال خود گریه کن : «ابک علی نفسک ما کنت فی

الدنیا»

ای عیسی در خلوت ها گریه به حال خود را پیشه کن : «یا عیسی ، ابک علی نفسک فی الخلوات» .

نقل است که امام صادق(علیه السلام) گاه شبانه بر مزار اهل قبور می آمد و می گفت :

ای اهل قبور ، چگونه است که من شما را می خوانم و شما هیچ پاسخ نمی گویید ؟

سپس می گفت : سوگند به خدا میان آنان و جواب گویی ، پرده افتاده است و گویا من هم مثل آن ها خواهم شد . آن گاه تا برآمدن خورشید رو به قبله به نماز می ایستاد .

مفتقرا متاب رو ، از در او به هیچ سو زان که مس وجود را فضه او طلا کند

نقل است که مرحوم ملا محمد اشرفی از شاگردان مرحوم سعید العلماء بار فروشی[۱۶۲] وقت سحر در نجوا و زمزمه سحری ، به گونه ای بر سر و سینه می زد که صبح هنگام چهره اش چونان می نمود که گمان می رفت از بستر بیماری برخاسته است . [۱۶۳]

چون شب آمد همه را دیده بیارامد و من گویی اندر بن مویم سر نشتر می شد

یکی از نزدیکان سید جلیل القدر حجت الاسلام شفتی نقل می کند که با ایشان هم سفر بودم ، وقتی شب فرا رسید در یکی از روستاهای بین راه منزل کردیم . چون لختی از شب گذشت ، برای خواب به جای خود رفتم ، سید گمان برد که من خوابیدم ، برخاست و به نماز ایستاد و گریه را سر داد؛ چونان که بندبند کالبدش مرتعش بود و دو فکش به هم می خورد و نمی توانست کلمات نماز را صحیح ادا کند .

به گواهی بزرگان او هر سحرگاه در خانه و کتاب خانه اش نیز دیوانه وار سخت

می گریست و گاه همسایگان با خبر و بیدار می شدند . [۱۶۴]

ز جور کوکب طالع سحرگهان چشمم چنان گریست که ناهید دید و مه دانست[۱۶۵]

حضرت سیدالساجدین امام زین العابدین(علیه السلام) با چشمانی اشک بار به خدای متعال عرضه می دارد :

بار الها ، مرا به گریه بر حال خودم ، کمک ده؛ زیرا من حقیقتا با مسامحه و آرزوها ، عمرم را به باد فنا سپردم و آن چنان تنزل یافتم که از خیر خود ناامیدم . پس بد حال تر از من کیست اگر بر همین حال به قبرم که برای خوابیدن و آرمیدن ، آن را هموار و با عمل صالح ، مفروش نساختم ، پای بگذارم ؟

من چرا نگریم در حالی که نمی دانم بازگشت من به چه سوی خواهد بود . و می بینم نفس (اماره ام) بر من خدعه به کار می برد و روزگارم در حالی که مرگ بالهایش را بر سرم می جنباند فریبم می دهد . چرا من نگریم ؟

گریه می کنم برای جان دادنم؛ گریه می کنم برای تاریکی قبرم ، گریه می کنم برای تنگی و فشار لحدم ، گریه می کنم برای پرسشی که (منکر و نکیر) از من خواهند داشت؛ گریه می کنم برای آن زمانی که از گورم بیرون می آیم؛ در حالی که برهنه و خوارم و سنگینی بار گناهانم بر دوش می کشم؛ یکبار از طرف راستم و بار دیگر از طرف چپم می نگرم ، آن گاه که مردم همه در کاری غیر از کار من باشند در آن روز برای هر کدام از آن ها کار و وضع خاصی است که آن ها را بس است . چهره هایی در آن روز ، گشاده و خندان و شادمان ، و چهره هایی

غبارآلود و گرفته و مات و خوارند . [۱۶۶]

آداب پس از بیداری

آی آمد صبح تا که از خاک

اندوده تیرگی کند پاک

و آلوده تیرگی بشوید

آسوده پرنده ای زند پر[۱۶۷]

«من اللیل؛ پاره ای از شب را به نماز بایست»[۱۶۸] . از قبیل اغراء تحریک و تهییج و نظیر علیک باللیل؛ برتو باد به شب می باشد . [۱۶۹] نیز از کلمه «من اللیل» فهمیده می شود که هر کس به مقتضای معرفت و حال خویش می تواند بر مدت تهجد خود بیفزاید یا از آن بکاهد و به اندکی بسنده کند علاوه بر آن در سوره مزمل آمده است : «عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ؛ خداوند می داند که شما توان شمارش مقدار معینی از شب را ندارید ، از این رو ، عذر شما را پذیرفته است» . [۱۷۰]

ولی از زیاده روی به ویژه در ایام و لحظه های ادبار و بی حالی بپرهیزیم تا نتیجه عکس ندهد و به سرخوردگی ، دل زدگی و محرومیت از نماز شب نینجامد .

به تعبیر حضرت امام خمینی(ره) : «ممکن است پس از مدتی بیداری شب انس و عادت به آن ، خدای تعالی کم کم دستگیری می فرماید و با یک لطف خفی خلعت رحمت بر تو بپوشاند ، ولی از سر عبادت مجملا غافل مباش و همه را به تجوید قرائت و تصحیح ظاهر فقط مپرداز» . [۱۷۱]

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت است که : «یا کمیل ، ان الله لا یسألك الا علی فرض[۱۷۲]؛ ای کمیل ، خداوند تو را جز بر (عملی که انجام یا ترک آن) واجب است پرسش نخواهد کرد .

پس قدر معینی از شب را ذکر و حضور بپردازد و در صورت داشتن وقت

و حال بیش تر ، باز به ذکر یا فکر و یا مناجات مشغول شود .

از امام صادق(علیه السلام) روایت است[۱۷۳] چون صدای خروس را بشنود ، بخواند :

سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت ، عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت فتب علی انک انت التواب الرحیم؛ پاک و منزه است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح؛[۱۷۴] مهربانی ات بر خشم تو پیش دارد ، معبودی جز تو نیست ، تو را منزه می دانم و سپاس می گویم ، من بد کرده ام و بر خود ستم روا داشته ام ، مرا بیامرز ، همانا جز تو ، گناهان را نیامرزد .

شرم باد از حضرت حق آدمی را هر سحر کو به خواب غفلت است و حمد گویان فاخته[۱۷۵]

الهی ! خروس را سحر باشد و حسن را نباشد . [۱۷۶]

الهی ، خروس را در شب خروش باشد و حسن خاموش باشد . [۱۷۷]

گرچه همه را خواب سحرگه برباید لیکن تو مرا دیده بیدار عطا کن[۱۷۸]

چون از خواب برخاستیم ، سجده کنیم؛ چنان که رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) پس از بیداری سجده می کرد .

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَکُن مِّنَ السَّاجِدِینَ وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ ؛ پروردگارت را به حمد و سپاس ، تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش . و پروردگارت را پرستش کن تا تو را یقین فرا رسد . »[۱۷۹]

«وَمِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَیْلًا طَوِیلًا ؛ مقداری از شب ، خدا را سجده کن و شب طولانی را به تسبیح او بپرداز . »[۱۸۰]

ارباب معرفت گفته اند : جدای

از سجده های نمازهای واجب روزانه ، سجده ای باید که به تعجیل سر از خاک برنداری و بگویی : « لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّالِمِینَ ؛ خدایا معبودی جز تو نیست ، تو پاک و منزهی و من از ستمکارانم» . [۱۸۱]

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی به نقل از استاد خود مرحوم ملا حسین قلی همدانی ، مداومت بر یک مرتبه سجده طولانی در هر شبانه روز را با ذکر «لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّالِمِینَ» برای اصلاح دل و دریافت و تحصیل معارف خدایی بسیار تأثیر گذار می دانست . [۱۸۲]

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایان بنوازد آشنا را[۱۸۳]

الهی ، غبطه ملائکه ای می خورم که جز سجده ندانند . کاش حسن از ازل تا ابد در یک سجده بود . [۱۸۴]

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت است که : سه نفراند که خداوند ، فرشتگانش را مباهات کند : (یکی از آنان) کسی است که مقداری از شب را برخیزد ، تنها به سجده رفته در آن به خواب رود . پس خداوند (در این حال) به ملائکه می فرماید : بنده ام را بنگرید که روحش نزد من است و کالبدش برایم به سجده رفته است . [۱۸۵]

«خواب خداوندان مجاهده ، صدقه بود از خدای تعالی بر ایشان و خدای تعالی مباهات کند با فریشتگان به بنده ای که در سجود بخسبد ، گوید : بنگرید به بنده من که جان وی به محل راز گفتن است و تن وی بر بساط عبادت گسترده است . [۱۸۶]

به سجده رفته

بگوییم :

الحمـدلله الـذی احیـانی بعـد ما اماتنی و الیه النشور ، الحمـدلله الـذی رد علی روحی لاحمـده و اعبـده؛[۱۸۷] سپاس خدایی را سزاست که مرا پس از مرگم (خوابم) زنده (بیدار) کرده است ، و (زنده شدن در) قیامت (بازگشت) به سوی اوست؛ سپاس از آن خدایی است که روحم را در (کالبد) من بازگردانده تا سپاسش گویم و عبادتش کنم .

یا بگوییم :

الحمـدلله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده و اشکره ؛ سپاس از آن خدایی است که روحم را بر (کالبد) من بازگردانده تا سپاسش گویم و عبادتش کنم و شکرگزارش باشم .

حسـبی الرب من العبـاد ، حسبی الـذی هو حسبی منـذ کنت حسبی ، حسبی الله نعم الوکیـل؛ پروردگـار ، مرا در میـان بنـدگان کفایت کند ، آنکه کفایتم کند مرا بسنده است ، هر زمانی که باشم ، او مرا بس است ، خداوند مرا پشت کار و کارساز خوبی است .

طهارت و وضو بگیریم و مسواک کنیم .

امـام بـاقر(علیه السـلام) فرمود : همانـا مسواک زدن پیش از گرفتن وضو در سـحر از سـنت (پیامبر(صـلی الله علیه و آله) است . [۱۸۸]

اهـل بیـت(علیهـم السـلام) سـفارش کرده انـد که چـون برای برپـایی نمـاز شب برخاستیـد ، به آسـمان بنگریـد و این آیـات را بخوانید[۱۸۹] :

«إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَـاوَاتِ وَالأَـرْضِ وَاخْتِلاَـفِ اللَّیْـلِ وَالنَّهَـارِ لآیَـاتٍ لِّأُوْلِی الألْبَـابِ الَّذِینَ یَـذْکُرُونَ اللّهَ قِیَامًا وَقُعُودًا وَعَلَی جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَـذا بَاطِلاً سُبْحَانَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّکَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَنصَارٍ رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِی لِلإِیمَانِ أَنْ آمِنُواْ بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا

وَتَوَفَّنَا مَعَ الأبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلاَ تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّکَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ؛ به یقین در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز ، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است ، همان ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته ، و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند ، یاد می کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشیند؛ (و می گویند : بار الها این ها را بیهوده نیآفریده ای؛ منزهی تو مرا از عذاب آتش نگاه دار . پروردگارا ! هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی ، او را خوار و رسوا ساخته ای ، و برای افراد ستمگر ، هیچ یاوری نیست . پروردگارا ، گناهان ما را ببخش و بدی های ما را بپوشان و ما را با نیکان (و در مسیر آن ها) بمیران . پروردگارا ، آنچه را به وسیله پیامبرانت و به ما وعده فرمودی ، به ما عطا کن و ما را در روز رستاخیز ، رسوا مگردان؛ زیرا تو هیچ گاه از وعده خود تخلف نمی کنی . »[۱۹۰]

استاد شهید مطهری درباره این آیات می گوید :

«آیات آخر سوره آل عمران . . . صدای هستی است و از قلب وجود برخاسته است» . [۱۹۱]

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت است که : رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پیوسته هر شب سه مرتبه از خواب بیدار می شدند و (مسواک کرده)[۱۹۲] به آفاق آسمان می نگریستند و پس از قرائت پنج آیه یاد شده از سوره آل عمران به نماز می ایستادند . [۱۹۳]

و نیز یکی از همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله) پرسیده شد که

: شگفت آورترین چیزی که از پیامبر دیده ای چه بود ؟ گفت : همه رفتار پیامبر اعجاب انگیز بود ، ولی عجیب ترینش در شبی رخ داد که در خانه ام استراحت می کرد که ناگهان از جای برخاست و جامه اش بر تن کرد و وضو ساخت و به نماز ایستاد و در آن حال سرشک دیدگانش از گونه های مبارک آن عزیز جاری می شد؛ به گونه ای که بخشی از جامه آن حضرت تر شد ، سپس به سجده رفتند . و همچنان تا صبح می گریستند تا این که بلال به اذان ایستاد و پیامبر به مسجد رفتند ، بلال آن حضرت را گریان دید و عرض کرد : ای پیامبر خدا ! لطف حق تعالی که شما را فرا گرفته ، چرا چنین گریانید ؟

پیامبر فرمودند : «افلا اکون عبدا شکور» آیا بنده سپاس گزاری نباشم ؟ » و گریان نباشم ، چه شامی که گذشت خدای متعال آیاتی بر من فرو فرستاد؛ در پایان فرمود : «ویل لمن قرأها و لم یتفکر فیه؛ وای بر آنکه این آیات را بخواند و در آن نیندیشد» .

شنیدستم شبی شب زنده داری به گردون داشت چشم اشکباری

همی دید آن نظر باز شبانه کواک را به چشم عاشقانه

به چشمان در تماشای سماوات به جان با روی جانان در مناجات

نظر بر انجم رخشنده می دوخت به حیرت همچو شمع بزم می سوخت

گهی با فکر و گه با ذکر سبوح همی روشن نمود آیینه روح

چو مرغ حق به دل با ناله زار به ذکر حق سحر کردی شب تار

همی گفتا الهی یا الهی به سوی خود مرا بنمای راهی

موهایمان را شانه کنیم و تمیز و معطر به نماز بایستیم

.

نماز شب را با آداب و حال و حضور قلب و محزون برپا داریم و در تحصیل حال همت کنیم .

از گریه و ندبه و آه و دعا ، دریغ نکنیم که سخت در نزول رحمت بی کران پروردگار و جلب عنایت و رضایت آن عزیز مؤثراند .

بگو به خواب که امشب میا به دیده ما جزیره ای که مکان تو بود آب گرفت

الهی ، به حرمت راز و نیاز اهل راز و نیازت ، این نااهل را سوز و گداز ده . [۱۹۴]

حتما ظهور حضرت حجت را از خداوند بخواهید .

نگران با من استاده سحر

صبح می خواهد از من[۱۹۵]

مهدیا ، تو نه دوری و نه آمدنت دیر است؛ تو زودتر از انتظاری .

به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست که مونس دم صبحم ، دعای دولت توست[۱۹۶]

همواره دل و زبانمان یکی باشد ، حتی در مناجات ، دعاهایی را بخوانیم که با حالمان مناسبت دارد؛ یعنی چیزی بگوییم و بخواهیم که با حال و حقیقت درونمان سازگار است .

وقت سحرگاه رحیل دعا بر سپه غصه شبیخون زنم[۱۹۷]

از مناجات و دعای اهل بیت(علیهم السلام) بهره بجوییم و خود را با مفاهیم و محتوای آن همگون سازیم؛

سحرگاهان که مخمور شبانه گرفتم باده با چنگ و چغانه[۱۹۸]

«بر بنده مراقب ، به حکم عقل واجب است که در جهات عبودیت و بندگی و در تهجد و شب زنده داری خصوصا و دیگر اوراد و اذکاری که دارد ، به پیشوایان دینی اقتدا کند و وظایف خود را در این موارد از اهل بیت(علیهم السلام) نبوت اخذ نماید و آنچه را که از آنان رسیده اسوه و الگوی خود قرار دهد ، بلکه

می بایست حال خود را با احوالات آن ها مقایسه کند و از این مقایسه ، آنچه را که از تمکن ، و تذلل و تضرع و زاری بر او واجب است به دست آورد و ببیند جایی که آن ها با این که مقربان درگاه الهی و مطیع فرامین او بوده اند و لحظه ای معصیت او نکرده و از یاد او غافل نشده اند این گونه در مقابل او به تضرع و زاری و گریه و ناله می پردازند ، وظیفه ما با این همه گناه و اتصاف به این همه اخلاق زشت و ناپسند چه خواهد بود» . [۱۹۹]

شکرگزار باشیم که در دوره کفر و کافر و معاند با اهل بیت(علیهم السلام) به دنیا نیامده ایم و از نفاق و دو رویی برحذریم .

برای شفاعت و وساطت به اهل بیت(علیهم السلام) متوسل شویم ، تا خداوند از گناهانمان بگذرد و آن ها را به حسنات تبدیل سازد و از ما راضی شده ، ما را در جرگه خواص ، پذیرا باشد . [۲۰۰]

فرستاده حبیب (ملکی که او را از خواب بیدار کرده) را گرامی داریم؛ یعنی پس از تصدیق رسالت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) تصدیق اوصیای دوازده گانه آن حضرت که حجت های خداوند و خلفای او در زمین اند ، بگوییم :

ای فرشته ای که از جانب مهربان ترین مهربانان و بزرگوارترین و بخشنده ترین بزرگواران و بخشندگان ندا می دهی . . . آنچه را که از سؤال ، توبه ، استغفار ، نیاز ، ذلت و انکسار بر تو عرضه داشتم به صورت امانت تسلیم تو می کنم و امیدوارم که تو آن ها را از من ستانده و به آن که تو

را به سوی ما فرستاده و ابواب توسل را به روی ما گشوده عرضه بداری . [۲۰۱]

امیدی که دارم به فضل خداست که بر سعی خود تکیه کردن خطاست

طریقت همین است که اهل یقین نکو کار بودند و تقصیر بین

مشایخ همه شب دعا خوانده اند سحر گاه سجاده افشانده اند[۲۰۲]

گاه به اقتضای حال و حضور بی واسطه ، دارایی دل و جانش را عرضه کنیم و همه واسطه ها را که به او منتسب اند و نیز زیبایی های آسمان و زمین را نام بریم ، ناز کنیم و آرزومندی هایمان را خواستار شویم .

الهی ، خوشا آنان که در جوانی شکسته شدند که پیری خود شکستگی است . [۲۰۳]

الهی ، شکرت که پیر ناشده استغفار کردم که استغفار پیر ، استهزاء را ماند . [۲۰۴]

توصیه ها

۱ سعی کنیم عاشقانه سحرپیشه باشیم هر چند دست رد بر سینه سحرخیزی کاسبانه نزده اند .

گر از دوست چشمت به احسان اوست تو در بند خویشی ، نه در بند دوست

خلاف طریقت بود که اولیا تمنا کنند از خدا جز خدا[۲۰۵]

۲ حق تعالی را از این نعمت سحرخیزی سپاس گزار باشیم .

هم تازه رویم هم خجل ، هم شادمان هم تنگدل کز عهد بیرون آمدن نتوانم این انعام را[۲۰۶]

۳ نماز شب و اشک و حال سحری ، هدیه خدا به جان های پذیرا و با استعداد است ، نباید معطل هر کسی بود .

نه هر عاشق تواند اشک ریزی نه هر طالب تواند صبح خیزی

الهی ، آدم شب کور کجا و عبد شکور کجا ؟ که شب کور شکور نباشد . [۲۰۷]

من نه برای این که در بحث نماز شب حرفی را نوشته باشم ، بلکه انصافا برخی از

افراد در زنـدگی با رفتارهای زشت و ناپسـند و آلوده شان آن چنان بر سـر جان شان بلا آورده و خود را خفه کرده و مرده اند که هیچ روزنه و امیدی نمی یابی .

«وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ؛ تو نمی توانی سخن خود را به انان که در گور خفته اند برسانی»[۲۰۸]

«إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ لِيُنـذِرَ مَن كَانَ حَيًّا ؛ آن (کتاب آسـمانی) جز ذکر و قران مبین نیست تا افرادی را که زنـده انـد بیم دهد» . [۲۰۹]

هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید[۲۱۰]

نقل است که مرحوم علامه بحرالعلوم روزها به امور مراجعه کنندگان رسیدگی می کرد و برای طلبه ها درس می گفت و شب ها نیز به شـیوه اهل بیت(علیهم السلام) از کوچه های نجف می گذشت و دور از چشم مردم برای تهی دستان شهر غذا می برد ، تـا این که طلبه هـا بـا خبر شدنـد . علامه درس را تعطیل کرد ، ولی دلیل آن را نمی دانسـتند . از این رو ، مرحوم علامه زین العابدین سلماسی را که به مرحوم علامه نزدیک تر بود شفیع قرار دادند تا از استاد بپرسد که چرا درس را تعطیل کرد ؟

این پرسـش چنـد روز به تکرار از اسـتاد پرسـیده می شـد ، ولی ایشان هیـچ جوابی نمی داد ، تا این که در یکی از روزها وقتی برای چندمین بار از استاد پرسیده شد ، در پاسخ گفت :

من در نیمه هـای شب از کوچه هـای این شـهر می گـذرم ، سـزاوار نیست که طلبه ها برای نماز شب بیـدار نشونـد و با خـدای متعال مناجات نکنند؛ من شاگردی را که سحرپیشه نباشد نمی خواهم .

و پس

از اهتمام طلبه ها بر سحرخیزی بود که حضرت استاد نیز درس را دوباره آغاز کرد . [۲۱۱]

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب بو که سیری بکند آن مه ناکاسته ام

خوش بسوز از غمش ای شمع که امشب من نیز به همین کار کمر بسته و برخاسته ام

نقل است که شهید قدوسی شبی در مسجد گوهرشاد می گفت : برایم بسیار ناگوار و دور از انتظار بود ، وقتی شنیدم که یکی از اساتید مدرسه حقانی به نماز شب مقید نیست . با او صحبت کردم ، معلوم شد که در شب ، سبکی معده را رعایت نمی کند [۲۱۲].

الهی ، شب پره را در شب ، پرواز باشد و حسن را نباشد . [۲۱۳]

الهی ، توفیق شب خیزی و اشک ریزی به حسن ده . [۲۱۴]

۴ در تحصیل رقت قلب و نرم ساختن دل به ویژه از راه عبرت ها کوشا باشیم .

۵ در زمستان بیداری مان بیش تر از سحرخیزی ما در تابستان باشد .

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرماید :

زمستان برای مؤمن فصل خوبی است؛ زیرا روزهای آن را روزه می گیرد و شب های دراز آن را به نماز می ایستد . [۲۱۵]

۶ برای سحر شب های جمعه اهمیت بیشتری قائل شویم که بر شب ها و سحرهای هفته ، مزیت های فراوانی دارد . چنان که پیش تر یادآور شدم . حضرت یعقوب(علیه السلام) برای تحقق بخشی به درخواست پسران خود که پس از برملا شدن درون شان از پدر خواسته بودند : ای پدر ، برای ما از خداوند آمرزش بخواه ، پدر آنان را به فرا رسیدن سحر شب جمعه حوالت داد [۲۱۶].

از امام صادق(علیه السلام) نیز روایت است که :

از انجام گناه در شب

جمعه برحذر باشید که دو برابر به حساب اید و هم در این شب (بیش تر) به عبادت بپردازید که آن نیز دو برابر شمارش شود . [۲۱۷]

بانوان سحرخیز

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) روایت است که :

دخترم فاطمه (سرور زنان عالم از اولین تا آخرین شان است) هرگاه در محراب و در پیشگاه پروردگارش می ایستد ، نورش بر فرشتگان آسمان آشکار می شود؛ چونان که نور ستارگان بر اهل زمین ، و (در هنگام) خداوند به ملائکه هم می فرماید : ای فرشتگانم ، بنده ام فاطمه را بنگرید که در پیشگاهم از ترس من ، لرزان ایستاده است ، من (نیز) به او روی کردم و گواه باشید که شیعیانش را از آتش ایمن دارم . [۲۱۸]

حضرت زینب(علیها السلام) با همه رنج و محنت های پیش آمده در شام اسارت ، هر چند مصیبت زده بود و غم هجرت برادر و غربت کربلاـ ، دل و جانش را در هم می فشرد و سوخته تر از خیمه های سوخته می نمود ، ولی باز سحرخیزی اش را ادامه داد و نماز شبش را نشسته برپا داشت . و چه پیام رسایی که این بانو در اهمیت سحرخیزی و برپایی نماز شب به همه ابلاغ کرده است .

حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) که از نماز شب و حال و حضور خواهرش زینب (علیهاالسلام) با خبر بود ، در آخرین وداع خود از اهل خیام ، خواهرش را فراخواند و از او خواست ، جان خواهر ، حسین را در نماز شبت فراموش نکن . [۲۱۹]

امام حسین(علیه السلام) درباره دخترش فاطمه[۲۲۰] فرمود : او در دینداری به گونه ای بود که شب را به نماز می گذراند . [۲۲۱]

بانو نفیسه از

نوادگان امام حسن مجتبی(علیه السلام) و عروس امام صادق(علیه السلام) است ، برادر زاده اش درباره او می گوید : من چهل سال خدمتگزارش بودم ، او در این مدت همواره وقت سحر برای نماز شب بیدار بود . [۲۲۲]

روایت است که حضرت مسیح(علیه السلام) پس از مرگ مادرش مریم عذرا(علیها السلام) او را فراخواند و از مادرش پرسید :

مادر ، آیا میل داری به دنیا بازگردی ؟

مادر پاسخ گفت : آری ، ولی برای برپاداشتن نماز در شب سرد و گرفتن روزه در روز گرم .

در زمان حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) زنی زندگی می کرد که بسیار شایسته بود و در عبادت خدا و ادای نماز در وقت آن ، زیاده اهتمام داشت . روزی مشغول پختن نان بود که زمان ادای نماز فرا رسید ، او خمیری را که در تنور گذارده بود رها کرد و به نماز ایستاد ، شیطان بر خاطرش در آویخت و به وسوسه او پرداخت که :

«تا نماز را به پایان برسانی نانت همه سوخته است» .

زن بی اعتنا در دل ، او را پاسخ گفت : که اگر هم نان بسوزد بهتر که من در آتش دوزخ بسوزم .

شیطان : پسرت در تنور می سوزد .

زن به دل گفت : اگر قضای خدایی است که پسرم در نمازم به آتش درافتد؛ من به قضای او سر سپارم و از نماز دست برندارم و اگر نه که او در نماز نگاهدار پسر من است .

در این هنگام ، همسرش به خانه درآمد و دید زن ، به نماز ایستاده و نان ، سالم بر دیواره تنور و پسرش نیز بی هیچ سوزشی در آتش چونان

که در چمن زاری بازی می کند .

شوهر در شگفت از این حادثه ، پس از نماز همسرش او را از این معجزه با خبر ساخت . زن به سجده افتاد و خداوند را سپاس گفت .

مرد ، کودک را در آغوش گرفت و به نزد عیسی(علیه السلام) آمد و ماجرا را باز گفت .

عیسی(علیه السلام) فرمود : از همسر خود بپرس که چه رازی با خدای تعالی داشت که با او چنین معامله کرده است ؟ اگر او مرد می بود ، به پیامبری برگزیده و جبرئیل بر او نازل می شد .

مرد به خانه باز گشت و از همسر خویش ، پرسش عیسی(علیه السلام) را باز پرسید . زن پاسخ داد :

کار آخرت پیش گرفتم ، کار دنیا را پس گذاردم ، جز چند روزی در ماه ، همواره به طهارت گذراندم ، نمازم را در وقتش ، بر هزار کار دیگرم مقدم داشتم . کینه و دشمنی آنکه مرا دشنام می داد و بر من جفا می کرد دل دل نمی گرفتم . امورم را به خدا واگذار کردم . به قضای او رضا دادم . فرمانش را بزرگ داشتم ، با آفریده هایش مهربان بودم ، نیازمندان و تهی دستان را هر چند اندک بخشیدم و هر سحر نماز شب را برپاداشتم . [۲۲۳]

نقل است که یکی از عرفا کنیزکی داشت و آن را به دیگران فروخت . چون پاسی از شب گذشت کنیزک از خواب برخاست و اهل خانه را به نماز شب فراخواند . همه در عجب شدند که مگر صبح در آمده است ؟

کنیزک گفت : نه ، مگر شما فقط واجب به جا می آورید ؟

گفتند : آری .

کنیزک

صبح گاهان به نزد صاحب پیشین خود آمد و گفت : ای شیخ ، مرا از اینان باز پس گیر که ایشان اهل سحر نیستند . [۲۲۴]

یکی از بزرگـان کنیزی داشت که شب هنگام از نظر ها دور می شـد و کسـی نمی دانست که کجاست یا دیر وقت به کجا می رود . مولایش با خود اندیشید که نکند او هرزه باشد . به همین خاطر بر ان شد که او را بپاید . شبی خود را به خواب زد ، ولی بیـدار و مراقب رفتار کنیز ، پاسـی از شب گذشت کنیز در خانه را باز کرده از آن خارج شد . بی آن که کنیزش خبردار شود ، از پی او روانه شد ، از کوچه ها گذر کرد تا این که به گورسـتانی رسـید ، نزدیک قبری خالی شد و در آن نشـست و ذکر الله سـر داد و گاه شنیده می شد که می گفت : ای خدایی که مرا دوست داری . ارباب از خود پرسید : «او چگونه دانست خدا او را دوست دارد ؟ من این را به طور حتم از او خواهم پرسید . » و گاه نیز با دیدن این منظره زیر لب می گفت : بار خدایا ! تو را از داشتن چنین کنیزی سپاس می گویم .

صبح هنگام جریان شب پیش را برای کنیزش باز گفت و اظهار داشت : من تنها یک پرسش از تو دارم .

تو از کجا می دانی که خدا تو را دوست دارد ؟

کنیز : از آنجا که مرا به هم نشینی با خود دعوت می کند وگرنه من نیز مانند دیگران به خواب رفته بودم .

زنی به حضور امام

صادق(علیه السلام) رسید و عرضه داشت :

ای پسر پیامبر خدا ، شوهرم مرا دوست نمی دارد ، چه کنم که مهرم به جانش در آید ؟

امام فرمود : گاه سحر برخیز و نماز شب بخوان .

پس از چنـدی این زن برای سپاس گزاری به خـدمت امـام رسید . گفت : اکنون با عمل به دسـتور شـما ، شوهرم کسـی را به اندازه من دوست ندارد . [۲۲۵]

موانع سحرخیزی

چنان که برپایی نماز شب ، آثاری را به همراه دارد ، ترک آن نیز پیآمـدهایی دارد که به علل و عواملی انسان را از فیوضات و فیضان سحر باز می دارد .

حاج شیخ عباس قمی صاحب کتاب مفاتیح الجنان همواره در گذار سال و در هر چهار فصل حداقل یک ساعت پیش از طلوع فجر بیدار شده و به نماز می ایسـتادند . فرزند ایشان نقل می کند که یک روز صـبح دیدم پدرم گریه می کند ، سحر از دست داده ای که گویا می گفت : «یا لیتنی قدمت لحیاتی؛ کاش برای زندگی ام پیش می فرستادم» . [۲۲۶]

«یَا حَسْرَتَی عَلَی مَا فَرَّطتُ فِی جَنبِ اللَّهِ ؛ دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم . »[۲۲۷]

گفتم : پدر جان چرا گریه می کنید ؟

پسرم ، شب گذشته نماز شب را از دست دادم .

پدر جان ، شما که واجبی را ترک نکرده و حرامی را نیز مرتکب نشده اید؛ به علاوه نماز شب ، مستحب است نه واجب .

دریغا عیش شبگیری که در خواب سحر بگذشت ندانی قدر وقت ای دل مگر وقتی که در مانی[۲۲۸]

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی ترک کنندگان نماز شب را به چهار دسته تقسیم می کند : [۲۲۹]

ترک کنندگان نماز شب

دسته نخست

۱ کسانی که به شب نشینی های بیهوده و بی محتوا دل مشغول و سرگرم هستند . به راستی این موضوع ، حتی اگر از نماز شب هم بحث نمی کردیم زیان های فراوانی دارد مثل : اتلاف وقت ، پراکنده گویی و هجمه به آبروی دیگران و از هم دریدن آن . حقیقتا خواب بر این امور شرف دارد .

«گفته اند : بر ابلیس هیچ چیز دشوارتر از خواب عاصی

نیست ، گوید : کی بود که بیدار شود تا خدای را معصیت کند .

و گفته اند که : نیکوترین حال عاصی را آن وقت بود که بخسبد اگر خیری نکند باری شری از وی نیاید» . [۲۳۰]

علاوه بر آن ، شب زنده داری های پرمحتوا نیز که بی حد و مرز برگزار می شود ، رهزن طریقت آل الله و پیمایش راهی است که با سرشت و سرنوشت آدمی ناسازگار است؛ برای مثال برخی ها به سیدالشهداء(علیه السلام) تا دیر وقت به سر و سینه می زنند؛ به گونه ای که با این افراطی گری ، نوبت به خدای متعال و نماز واجب صبح هم نمی رسد .

گر مسلمانی به این است که حافظ دارد آه اگر از پس امروز بود فردایی

۲ پرخوری و شکم انباشتن خواب را سنگین و زیاد می سازد؛

برخی از حکیمان گفته اند : «الاکل للقوت لا للشهوه؛ خوردن برای نیرو گرفتن است ، نه شهوت» .

الهی ، آزمودم تا شکم دائر است دل بائر است : «یا من یحیی الارض المیته» دل دائرم ده . [۲۳۱]

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت است : دل آن کس که شکمش پر است ، به ملکوت آسمان راه ندارد . [۲۳۲]

ره نیابد بر دری از آسمان دنیاپرست در نه بگشایند بر وی گر چه درها واستی[۲۳۳]

امام صادق(علیه السلام) می فرماید : برای قلب مؤمن چیزی زیان بارتر از پرخوری نیست؛ پرخوری دو چیز را به ارث می گذارد؛ سنگ دلی و هیجان شهوت . [۲۳۴]

از لقمان حکیم نقل شده است که به پسر خود گفته است : جان پسر ، هرگاه معده انسان پر شود فکر او به خواب می رود

. از (دریافت) حکمت باز می ماند و عضوهایش از عبادت فرو می نشینند . [۲۳۵]

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت است که : با دارا بودن سه چیز در سه چیز طمع نورز :

الف) در بیداری با پرخوری .

ب) در نورانیت چهره با خوابیدن در تمام شب؛

ج) در امان بودن از دنیا با هم نشینی گنه کاران .

۳ بستری که بیش از حد نرم و راحت باشد ، زمینه ساز خوش خوابی و سنگین تر شدن آن است .

امام صادق(علیه السلام) : من به یقین دشمن دارم کسی را که قرآن می خواند ، و برخی از شب را بیدار است ، ولی از رختخوابش (برای نماز شب) جدا نمی شود تا این که صبح برای نماز برمی خیزد . [۲۳۶]

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

«این چنین روا نیست که انسان بخوابد تا نزدیک طلوع آفتاب و بعد به زحمت نمازش را اداء بخواند . انسان را که خواه و ناخواه می برند ، چه بهتر که خودش برود» . [۲۳۷]

اگر شب بخوابیم و بعد از سحر بیدار شویم ، آن چه خواب و این چه بیداری ؟

بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود زین سیل دمادم که درین منزل خواب است[۲۳۸]

«آیا طالبان این دنیا را نمی بینی که اگر یکی از آن ها را سلطان وقت به خلوت فرا خواند ، گرچه وقت ملاقات با او را دل شب قرار دهد ، او به خواب نخواهد ماند ، بلکه آن شب را از ترس این که مبادا به خواب بماند کلا بیدار و پیوسته به فکر مجلس سلطان و صحبتش با او خواهد بود . و

تو اگر به احوال خویش تأمل کنی به یقین خواهی دید که اگر احتمال دهی که کسی نیمه شب مبلغ قابل توجهی پول برایت خواهد آورد از شوق دست یابی به آن مال و ترس این که مبادا به واسطه خواب از دستت برود ، قدرت بر خوابیدن نخواهی داشت» . [۲۳۹]

شورش بلبلان سحر باشد خفته از صبح بی خبر باشد[۲۴۰]

الهی ، آنکه سحر ندارد از خود خبر ندارد . [۲۴۱]

در روایت است که حضرت موسی(علیه السلام) به خداوند عرض داشت بار خدایا مبغوض ترین بندگان نزد تو کیست ؟ جواب آمد : «جیفه باللیل ، بطال بالنهار[۲۴۲]؛ مبغوض ترین خلق ، نزد من ، کسی است که شب مردار است و روز را به بطالت می گذارد . »

۴ نافرمانی و گناه خدا(حق الله و حق الناس) .

مردی نزد امیرالمؤمنین(علیه السلام) آمد و عرضه داشت : من از نماز شب باز مانده ام ! امام فرمود : گناهانت تو را زنجیر کرده اند . [۲۴۳]

امام صادق(علیه السلام) می فرماید :

حقیقتا فردی تنها به خاطر یک دروغ از نماز شب باز ماند[۲۴۴] و کسی که از نماز شب (رزق معنوی) محروم گردد ، از رزق و روزی (مادی) نیز محروم می ماند . [۲۴۵]

[گاه] انسان ، گناه می کند و به همین سبب از نماز شب باز می ماند ، همانا تأثیر عمل زشت در جان آدمی از وارد شدن چاقو در گوشت ، چالاک تر است . [۲۴۶]

دسته دوم

عجب و روی و ریا

دسته دوم کسانی اند که همه موارد بالا را رعایت کرده اند . ولی بنا بر روایت های وارد شده برای نگهداری بنده از عجب یکی دو شب از نماز شب باز می ماند .

از عجب و روی و ریا بپرهیزیم

تا از فیض رحمت خدایی در هر سحر بی بهره نمانیم . بیماری های اخلاقی را حقیقتا بیماری بدانیم و از آن سرسری نگذریم و به اهل و طبیبان و روح مراجعه کنیم و دل و جانمان را درمان و کاستی ها را جبران کنیم .

دسته سوم

بیماران و کسانی که به سحر خیزی و برپایی نماز شب اهتمام دارند ، ولی معذوراند ، اینان چون بر نیت خویش استوارند و به درستی و خردورزانه ، همگون با آموزه های متعالی دینی ، زندگی را می گذرانند به وعده و خبر آل الله(علهیم السلام) نیت اینعمل آنان را به پاداش نماز شب خواهد رساند .

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) می فرماید : اگر کسی پیش خود قصد کند که لحظه ای از شب را برخیزد ، ولی ناخواسته به خواب رود ، خداوند نیتش را پذیرفته و پاداش عملی را که قصد کرده بود برایش بنویسد . [۲۴۷]

دسته چهارم : [۲۴۸]

کسی که گمان می برد فضیلت مطالعه از نماز شب برتر است ، «و این چیزی جز غرور و فریب نیست»[۲۴۹] ، «باید از این مصیبت عظمی و فضیحت آشکار به خدا پناه برد ، که شیطان پلید این گونه علما را فریب دهد که اشتغال به مطالعه این علوم رسمی که برای اغلب آن نمی توان قصد شرعی که به وجهی از وجوه صحیح باشد یافت ، از استغفار در سحرگاهان و خلوت با خداوند عزیز غفار افضل بدانند . . . .

علمی که انسان را بر تهجد و شب زنده داری برنیانگیزد ، علمی است که نور و بهره و خیری در آن نیست . . . باید دانست که مؤمن در راه تحصیل علم ، نماز شب را از مطالعه کارسازتر می بیند» . [۲۵۰]

حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

و نیز می نویسد :

«مردان متقی برای تصحیح نیت خود در تحصیل عمل به نماز شب پناه می برند و درد خود

را بـا داروی شب زنـده داری و تضـرع در دل شب درمان می نمودنـد ، و به جان خودم سو گنـد که برای تصـحیح نیات واجبه عینیه ، این راه بهترین راه هاست و دستگیره محکمی است که نباید از آن دست کشید .

و شـیخ و پیشوای من در علوم حقه ، برایم حکـایت نمود که از طالبان آخرت ، احـدی به مقامی از مقامات دینی نرسـید : مگر آنان که اهل تهج...و شب زنده داری بودند» . [۲۵۱]

و نیز گفته اند :

«شـما هیچ عارف و انسان بلند مرتبه ای را در این عالم نمی یابید که آنچه به دست آورده از دولت بیداری شب ها نبوده باشـد ، چه پارسایان مسلمان و چه غیر مسلمان ، شب خیزی در همه ادیان جزو سنن محبوبه است» . [۲۵۲]

«حافظ نیز شاگرد مکتب اسـلام و بهره منـد از معنویت ها و صـفاهای شـبانه بود و پیروزی های خود را مدیون شب خیزی های خود می دانست» . [۲۵۳]

نقل است که کسی از شیخ مرتضی انصاری پرسید : فضیلت نماز شب بیش تر است یا مطالعه و تحصیل علم ؟

شیخ با پرسشی او را به جواب رساند ، از او پرسید : آیا تو قلیان می کشی ؟

گفت : بلی .

شیخ : به جای دو بار قلیان کشیدن ، نماز شب بخوان .

یعنی اگر تو تا این اندازه نگرانی که به پاداش بیش تر نرسی و فضیلت نماز شب از مطالعه را هم ندانی ، چگونه لحظه هایی از زندگی ات را به کشیدن قلیان می گذرانی و آن گاه به بهانه کمی وقت می خواهی یکی از آن ها را برگزینی . [۲۵۴]

چگونه ممکن می شود که انسان تحصیل علم را از تهجد و شب زنده داری و نماز شب افضل بداند

پی نوشتها

۱تا۱۳۰

[۱]- سوره مزمل،

آیات ۱ و ۲.

[۲]- سوره مزمل، آیه ۶.

[۳]- وسائل الشیعه: ج ۵، باب ۳۹ از ابواب بقیه الصلوات المندریه و میزان الحکمه: ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، حدیث ۱۰۴۴۸.

[۴]- همان، ح ۱۰۴۴۷.

[۵]- مجمع البیان: ج ۱۰، ص ۳۷۸.

[۶]- مراحل اخلاق در قرآن: فصل هفتم.

[۷]- سوره اسراء، آیه ۷۹.

[۸]- تفسیر المیزان: ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

[۹]- همان.

[۱۰]- همان.

[۱۱]- تهذیب: ج ۲، ص ۲۴۲، ط نجف، ح ۹۵۹.

[۱۲]- سوره آل عمران، آیه ۱۷.

[۱۳]- عده الداعی و نجاح الساعی: احمد بن فهدالحلی، صححه و علق احمد الموحدی القمی، ص ۲۵۱.

[۱۴]-المصلین وقت السحر.» میزان الحکمه: ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹، ح ۱۴۸۰۶ و مجمع البیان: ط تهران، ۱۳۷۳، ج ۲.

[۱۵]- وسائل الشیعه: ج ۴، ح ۷ و ۹، باب ۱۰ از ابواب قنوت.

[۱۶]- میزان الحکمه: پیشین، ح ۱۴۸۰۷.

[۱۷]- همان: ح ۱۴۸۰۸.

[۱۸]- عده الداعی و نجاح الساعی: پیشین، ص ۲۵۱.

[۱۹]- میزان الحکمه: حدیث ۱۴۸۱۰

[۲۰]-. همان: حدیث ۱۴۸۱۲.

[۲۱]- همان: حدیث ۱۴۸۱۸.

[۲۲]- همان، حدیث ۱۴۸۱۹.

[۲۳]- سوره سجده، آیات ۱۶ و ۱۷.

[۲۴]- مجمع البیان: پیشین، ج ۸، ص ۳۳۱.

[۲۵]- سوره زمر، آیه ۹.

[۲۶]- وسائل الشیعه: ج ۳، باب ۱۷، از ابواب اعداد فرائض و نوافلها، حدیث ۷.

[۲۷]- سوره طه، آیه ۱۳.

[۲۸]- سوره طور، آیه ۴۸.

[۲۹]- تفسیر قمی: ج ۲، ص ۳۳۳.

[۳۰]- سوره طور، آیه ۴۹.

[۳۱]- تفسیر قمی: ج ۲، ص ۳۳۳.

[۳۲]- سوره ق، آیه ۴۰.

[۳۳]- مجمع الیبان: ج ۹، ص ۱۵۰.

[۳۴]- سوره دهر، آیه ۲۶.

[۳۵]-

مجمع البیان: ج ۱۰، ص ۴۱۳ و میزان الحکمه: ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷، حدیث ۱۰۴۴۹.

[۳۶]- سوره فرقان: آیات ۶۳ و ۶۴.

[۳۷]- صلاه اللیل: ص ۲۹.

[۳۸]- سوره هود، آیه ۱۱۴.

[۳۹]- میزان الحکمه: ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱، حدیث ۱۰۴۶۲.

[۴۰]- سوره آل عمران، آیه ۱۱۳.

[۴۱]- تفسیر اثنی عشری: ج ۲، ص ۲۱۶.

[۴۲]- عده الداعی و نجاح الساعی: پیشین، ص ۱۶۱.

[۴۳]- مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۰۹.

[۴۴]- سوره حدید: آیه ۲۷.

[۴۵]- وسائل الشیعه: ج ۵، باب ۳۹ از ابواب بقیه الصلوات المندویه:، ح ۹.

[۴۶]- صلاه الیل: ص ۲۸.

[۴۷]- نک: مفاتیح الفلاح: ص ۳۵۵.

[۴۸]- حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، اسرار الصلوه: ص ۴۵۶.

[۴۹]- نک: کنزالعمال: ج ۷، ص ۷۸۸، حدیث ۲۱۴۱۱.

[۵۰]- همان: ص ۷۸۰، ش ۲۱۳۷۹.

[۵۱]- مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۰۹.

[۵۲]- علل الشرایع: ص ۱۳۸.

[۵۳]- سوره یوسف، آیه ۹۸.

[۵۴]- کافی: ج ۲، ص ۳۴۶ میزان الحکمه: ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹ . در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده است که:

خواسته شان را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت.(نک: همان).

[۵۵]- همان: ج ۳.

[۵۶]- التهذیب: ج ۲، ص ۳۴۱ علل الشرایع: ج ۲، باب ۲۶.

[۵۷]- ارشاد القلوب: ج ۲، باب ۲۲، ص ۲۱ و ۲۲.

[۵۸]- وسائل الشیعه: ج ۵، باب ۴۰ میزان الحکمه: ج ۵، باب ۲۳۱۱، ص ۴۱۷.

[۵۹]- میزان الحکمه: پیشین.

[۶۰]- من لا یحضره الفقیه: ج ۱، ص ۴۷۱-۴۸۴ بحارالانوار: ج ۸۴، ص ۱۳۶۸ امالی صدوق: ص ۲۴ وسائل الشیعه: ح ۲۷ و

[۶۱]- بحارالانوار: ج ۸۷، ص ۱۲۰ و روضه الکافی: ح ۳۱۱.

[۶۲]- همان و میزان الحکمه: ح ۱۰۴۳۹.

[۶۳]- همان: ح ۱۰۴۴۲.

[۶۴]- حزام چیزی را گویند که محکم به کمر می بندند؛ حازم فردی را گویند که با احتیاط مثل کسی که کمرش را بسته است حرکت می کند؛ حزم یعنی انسان محکم خود را ببندد و تلرزد و از هر آسیبی در اثر این محکم بستن مصون بماند.» نک: اسرار عبادت: عبدالله جوادی: ص ۳۰۰.

[۶۵]- نک: حکمت عبادات، عبدالله جوادی آملی: ص ۱۱۶ اسرار عبادات: ص ۲۰۹، ح ۱۶.

[۶۶]- میزان الحکمه: ج ۴، ص ۵۷۳، ح ۸۹۶۳.

[۶۷]- نک: شب مردان خدا، سید محمد ضیاءآبادی: ص ۵۲ و ۵۳.

[۶۸]- بحارالانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۹.

[۶۹]- نک: حکمت عبادات: ص ۱۱۶ و اسرار عبادات.

[۷۰]- الوافی: ج ۱۴، ص ۴۶ وسائل الشیعه: ج ۵، باب ۳۹ و ج ۳، ح ۵.

[۷۱]- وسائل الشیعه: ج ۴۰، ۳۵، ۲۱، ۱۷ و ۱۰ میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۳۴.

[۷۲]- همان میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۳۴ تفسیر نمونه: ج ۱۲، ص ۲۲۱-۲۳۱.

[۷۳]- میزان الحکمه: ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۳، ح ۸۹۶۰.

[۷۴]- همان: ح ۸۹۵۱.

[۷۵]- میزان الحکمه: ج ۴، باب ۱۹۱۹، ص ۵۷۲، ح ۸۹۵۵.

[۷۶]- همان: ح ۸۹۵۶.

[۷۷]- همان: ح ۸۹۵۳.

[۷۸]- همان: ح ۸۹۵۴.

[۷۹]- ارشاد القلوب، دیلمی: باب بیست و یکم.

[۸۰]- میزان الحکمه: ح ۸۹۵۸.

[۸۱]- نهج البلاغه: خطبه ۸۳.

[۸۲]- همان: خطبه ۱۱۴.

[۸۳]- میزان الحکمه: ج ۷، باب ۳۰۸۴، ص ۲۴۹.

[۸۴]- میزان الحکمه: ج

۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱.

[۸۵]- «جاف عن اللیل» نیز نقل شده است. نک: اصول کافی: ج ۳، ص ۱۹۱.

[۸۶]- نک: حکمت عبادات: پیشین: ص ۱۱۶ و ۱۱۷ اسرار عبادات: پیشین، ص ۳۰۰

[۸۷]- صراحی شراب که به شکل مرغابی ساخته باشد.

[۸۸]- سعدی.

[۸۹]- مثنوی مولوی.

[۹۰]- چنان که در آیه ۱۷ سوره سجده آمده است.

[۹۱]- بحارالانوار: ج ۸۴، ص ۱۷۰، برگرفته از ثواب الاعمال: ص ۳۹ و ۴۰ و امالی صدوق: ص ۱۷۵.

[۹۲]- علامه حسن زاده آملی.

[۹۳]- میزان الحکمه: ج ۵، باب ۲۳۱۴، ص ۴۲۱، ح ۱۰۴۶۱.

[۹۴]- میزان الحکمه: ج ۱۰، باب ۳۹۶۱، ص ۲۳۴، ح ۲۰۵۳۶.

[۹۵]- اسرار الصلوه: ص ۴۶۴-۴۶۵.

[۹۶]- وسائل الشیعه: ج ۵، باب ۴۰.

[۹۷]- نک: تفسیر مجمع البیان: ذیل آیه یاد شده.

[۹۸]- سوره ق، آیه ۳۵.

[۹۹]- سوره زخرف، آیه ۷۱.

[۱۰۰]- باباطاهر.

[۱۰۱]- مجمع البیان: ذیل آیه ۱۷ سوره ذاریات وسائل الشیعه: ج ۲، باب ۱۰ ، ح ۷ و ۹ تفسیر صافی: ج ۵، ص ۷۰ ، برگرفته از تهذیب و مجمع: تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۱۳۰ التهجد و قیام اللیل: ص ۹۰.

[۱۰۲]- اصول کافی، ثقه الاسلام کلینی: ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ص ۳۸.

[۱۰۳]- الفقیه: جزء اول، ص ۳۰۵ علل الشرایع: ص ۲۶۵.

[۱۰۴]- نهج البلاغه: نامه ۴۵.

[۱۰۵]- رموز نماز: ص ۱۹۳.

[۱۰۶]- همه طلبه ها ایشان را آقاجان خطاب می کردند.

[۱۰۷]- حافظ.

[۱۰۸]- وسائل الشیعه: ج ۴، باب ۱۰.

[۱۰۹]- محاسن برقی، باب ۶۱.

[۱۱۰]- نک: اسرار عبادات: ص ۳۰۱.

[۱۱۱]- میرزا جواد ملکی تبریزی، اصرار الصلاه: ص ۴۶۴. هم

چنین نک: میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۱.

[۱۱۲]- همان.

[۱۱۳]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۲۱، ح ۱۰۴۶۴.

[۱۱۴]- رموز نماز، ص ۱۸۹. بر گرفته از، کتاب دعوات ابن راوندی.

[۱۱۵]- نک: صدوق، خصال.

[۱۱۶]- بحارالانوار.

[۱۱۷]- سوره آل عمران: آیه ۱۷.

[۱۱۸]- محاسن برقی: ص ۵۴ مجمع البیان و تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه یاد شده خصال صدوق، ح ۱۱۸۴ وسائل الشیعه: باب ۱۰.

[۱۱۹]- نک: میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاء الله: ص ۱۲۹.

[۱۲۰]اسرار الصلوه: ص ۴۵۴۴۵۶.

[۱۲۱]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۳۸.

[۱۲۲]- نک: اربعین حدیث، حضرت امام خمینی: ج ۱، ص ۲۰۳.

[۱۲۳]- چهارپایی که بر آن سوار شوند. فرهنگ عمید

[۱۲۴]- نک: اربعین حدیث: ص ۲۰۴.

[۱۲۵]- وسائل الشیعه: ج ۵، ح ۲۹ بحارالانوار: ج ۸۴، ص ۱۳۶ امالی صدوق: ص ۲۴ میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۲.

[۱۲۶]- احیای تفکر اسلامی: ص ۹۳.

[۱۲۷]- نک: سازندگی های اخلاقی امام حسین(علیه السلام): ص ۱۴۶.

[۱۲۸]- ارشاد القلوب: ج ۲، ص ۳ و ۴.

[۱۲۹]- بحارالانوار: ج ۸۴ ، ص ۱۳۹ ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۱۷۳ امالی صدوق: ص ۱۷۵.

[۱۳۰]- نک: بحارالانوار: ج ۸۷، ص ۱۵۵.

۱۳۱تا۲۵۴

[۱۳۱]- سفینه البحار: ج ۲، ص ۴۶.

[۱۳۲]- بحارالانوار: ج ۸۷، ص ۱۶۰.

[۱۳۳]- ترجمه رساله قشیریه: پیشین، ص ۷۱۰ .

[۱۳۴]- حافظ.

[۱۳۵]- نک: عده الداعی و نجاح الساعی: ص ۱۵۶۱۵۴.

[۱۳۶]- سوره هود، آیه ۷.

[۱۳۷]- نک: وسائل الشیعه: ج ۴، باب ۳۰.

[۱۳۸]- ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۱۹۱ بحارالانوار: ج ۹۳، ص ۳۳۱.

[۱۳۹]- همان.

[۱۴۰]- ارشاد

ا لقلوب: ج ۱، ص ۱۹۰.

[۱۴۱]- همان، ص ۱۹۲ مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۲۴۷.

[۱۴۲]- ترجه سراله قشیریه: ص ۷۱۷.

[۱۴۳]- نک: عده الداعی و نجاح الساعی: ص ۱۶۰. [۱۴۴]- اقبال لاهوری.

[۱۴۵]- طلاء: قطران، دارویی که بر عضوی بمالند، ماده دهنی (روغنی) شکل و سیاه رنگ که از برخی درختان مانند صنوبر و عرعر و امثال آن می چکد، در فارسی کتران و کتیران هم گفته شده؛ قطران زغال سنگ، ماده سیاهی از تقطیر زغال سنگ به دست می آید و در معالجه داء الصدف و اکزما (نوعی بیماری پوستی) به کار می رود. نک: فرهنگ عمید، واژه های طلاء، قطران، داء الصف و اکزوما

[۱۴۶]- نفحات الانس من حضرات القدس، نور الدین عبدالرحمن جامی، ص ۲۹۸.

[۱۴۷]اسرار الصلوه: ص ۴۷۲.

[۱۴۸]- بخشی از دعای زیارت عاشورا.

[۱۴۹]- میزان الحکمه: ج ۴، ص ۵۷۴، ح ۹۸۶۸.

[۱۵۰]- نک: عده الداعی و نجاح الساعی: ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

[۱۵۱]- مجموعه آثار، شهید مطهری: ج ۱۶، ص ۴۹۳.

[۱۵۲]- میزان الحکمه: پیشین: ح ۸۹۶۹.

[۱۵۳]- همان.

[۱۵۴]- نک: وافی: ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳.

[۱۵۵]- داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری: داستان ۱۱۱. برگفته از : بحارالانوار: ج ۹، ص ۵۸۹ الکنی و الالقاب، ذیل «البکالی».

[۱۵۶]- نک: نهج البلاغه: فیض الاسلام: حکمت ۷۴.

[۱۵۷]- نهج الحیاه، محمد دشتی: ج ۲۴، ص ۴۶.

[۱۵۸]- شهریار.

[۱۵۹]- نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۹۳.

[۱۶۰]- رموز نماز: ص ۱۸۹. بر گرفته از: خصال صدوق.

[۱۶۱]- نک: رساله لقاء الله: ص ۱۲۸.

[۱۶۲]- مرقد ا ین دو داشمند بزرگ با فاصله از هم در نزدیکی مسجد شهر بابل (استان مازندران)

قرار دارد.

[۱۶۳]- قصص العلماء: ص ۱۲۳.

[۱۶۴]- نک: داستان های شیرین از نماز شب: ص ۵۶ و ۵۷ . برگرفته از کتاب وحید بهبهانی: ص ۲۲۲ و قصص العلماء: ص ۱۲۳ و ۱۲۷.

[۱۶۵]- حافظ.

[۱۶۶]- نک: دعای امام سجاد(علیه السلام)، معروف به دعای ابوحمزه ثمالی.

[۱۶۷]- نیما یوشیج (امید پلید).

[۱۶۸]- سوره اسراء، آیه ۷۹.

[۱۶۹]- تفسیر المیزان: ترجمه، سید محمد باقر موسوی همدانی: ج ۱۳، ص ۲۴۱.

[۱۷۰]- سوره مزمل، آیه ۲۰.

[۱۷۱]- نک: اربعین حدیث: ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۷۲]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۲۴،

[۱۷۳]- مفتاح الفلاح: ص ۳۴۹.

[۱۷۴]- فرشته ای بزرگ تر از ملائکه.

[۱۷۵]- خواجه عبدالله انصاری.

[۱۷۶]- الهی نامه: استاد حسن حسن زاده آملی: ص ۳۷.

[۱۷۷]- همان: ص ۷۵.

[۱۷۸]- نگارنده.

[۱۷۹]- سوره حجر، آیات ۹۸ و ۹۹.

[۱۸۰]- سوره انسان، آیه ۲۶.

[۱۸۱]- سوره انبیا، ایه ۸۷.

[۱۸۲]- اسرار الصلوه: ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

[۱۸۳]- حافظ.

[۱۸۴]- الهی نامه: ص ۳۹.

[۱۸۵]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۹، ح ۱۰۴۵۳.

[۱۸۶]- ترجمه رساله قشیریه: ص ۷۰۱.

[۱۸۷]- نک: رموز نماز: ص ۱۹۳.

[۱۸۸]- میزان الحکمه: ج ۲، ص ۵۹۹، ح ۹۰۷۳.

[۱۸۹]- تفسیر نمونه: ج ۳، ص ۲۱۳.

[۱۹۰]- سوره آل عمران: آیات ۱۹۰-۱۹۴.

[۱۹۱]- نک: احیای تفکر اسلامی: ص ۹۳.

[۱۹۲]- تفسیر نور الثقلین.

[۱۹۳]- همان و مجمع البیان: ج ۹، ص ۱۷۰ ذیل آیه ۴۹ سوره مبارکه طور.

[۱۹۴]- همان: ص ۷۳.

[۱۹۵]- نیما یوشیج.

[۱۹۶]- حافظ.

[۱۹۷]- علی نقی کمره ای.

[۱۹۸]- حافظ.

[۱۹۹]- اسرار الصلوه: ص ۴۸۳.

[۲۰۰]- همان: ص ۴۶۶۴۹۱.

[۲۰۱]- همان: ص ۴۸۲.

[۲۰۲]- سعدی.

[۲۰۳]- اسرار الصلوه: ص ۲۳.

[۲۰۴]- همان: ص ۲۳.

[۲۰۵]- سعدی.

[۲۰۶]- سعدی.

[۲۰۷]- الهی نامه: ص ۷۵.

[۲۰۸]- سوره فاطر: آیه ۲۲.

[۲۰۹]- سوره یس: آیات ۶۹ و ۷۰

[۲۱۰]- حافظ.

[۲۱۱]- نک: داستان های شیرین از نماز شب، پیشین، ص ۵۸. برگرفته از کتاب قصص العلماء: ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

[۲۱۲]- همان: ص ۷۰-۷۲. برگرفته از:: یادنامه آیت الله قدوسی: ص ۷۶، ۷۷، ۱۲۹، ۱۳۰.

[۲۱۳]- الهی نامه: ص ۲۹.

[۲۱۴]- همان: ص ۷۳.

[۲۱۵]- ارشاد القلوب: ج ۲، ص ۱۷.

[۲۱۶]- سوره یوسف: آیات ۹۷ و ۹۸.

[۲۱۷]- رموز نماز: ص ۱۹۰ برگرفته از: بحارالانوار.

[۲۱۸]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۳۸۲، ح ۱۰۳۰۶.

[۲۱۹]- نک: زینب بنت الامام امیرالمؤمنین(علیه السلام): ص ۱۷ و ۱۸.

[۲۲۰]- هم او که به نقلی همسر حسن مثنی و عروس امام حسن مجتبی(علیه السلام) بوده است.

[۲۲۱]- نک: فاطمه بنت الحسین: ص ۱۴.

[۲۲۲]- نک: داستان های شیرین از نماز شب، ص ۸۶. برگرفته از: کتاب داستان های نماز: ص ۷۳.

[۲۲۳]- نک: عرفان اسلامی، حسین انصاریان: ج ۱، ص ۳۳۳.

[۲۲۴]- نک: داستان های شیرین از نماز شب: ص ۱۲۵. برگرفته از کتاب یک کهکشان اشک: ص ۷۱ و ۷۲.

[۲۲۵]- همان: ص ۱۵۰. برگرفته از: کتاب پیشانی و خاک: ص ۸۳.

[۲۲۶]- سوره فجر، آیه ۲۴.

[۲۲۷]- سوره زمر، آیه ۵۶.

[۲۲۸]- حافظ.

[۲۲۹]- اسرار الصلوه: ص ۴۵۸-۴۶۵.

[۲۳۰]- ترجمه رساله قشیریه: ص ۷۰۲.

[۲۳۱]- الهی نامه: ص ۱۲.

[۲۳۲]- المحجه البیضاء: ج ۵، ص ۱۴۶.

[۲۳۳]- میرفندرسکی.

[۲۳۴]- کافی: ج ۶، ص ۲۷۰.

[۲۳۵]- جامع السعادات: ج ۲، ص ۵.

[۲۳۶]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۱۷، ح ۱۰۴۴۴.

[۲۳۷]- نک: اسرار الصلوه: ص ۳۰۰.

[۲۳۸]- حافظ.

[۲۳۹]-

اسرار الصلوه: ص ۴۵۸.

[۲۴۰]- سعدی.

[۲۴۱]- همان: ص ۲۸.

[۲۴۲]- بحارالانوار: ج ۱۳، ص ۳۵۴.

[۲۴۳]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۲۲ و ۴۲۱، ح ۱۰۴۶۵ و ۱۰۴۶۶.

[۲۴۴]- همان: ص ۴۲۲، ح ۱۰۴۶۸.

[۲۴۵]- بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۴۲ وسائل الشیعه: ج ۵، ح ۳ و ۵ و ۸.

[۲۴۶]- وسائل الشیعه: ج ۱۱، ح ۱۲ میزان الحکمه: پیشین، ح ۱۰۴۶۷.

[۲۴۷]- میزان الحکمه: ج ۵، ص ۴۲۳.

[۲۴۸]- مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی پس از پنج صفحه بحث و گلایه از برتر دانستن مطالعه و ترک شب زنده داری می نویسد: «و این به خاطر عقده ای بود که از قدیم الایام در دل داشتم، خداوند از ا ین که از روی هوای نفس سختی گفته باشم و قلبم از طریق حق خارج شده باشد در گذرد». نک: اسرار الصلوه: پیشین: ص ۴۶۵.

[۲۴۹]- همان: ص ۴۶۰ و ۴۶۱.

[۲۵۰]- همان: ص ۴۶۳ و ۴۶۴.

[۲۵۱]- اسرار الصلوه: ص ۴۶۲ و ۴۶۳.

[۲۵۲]- اوصاف پارسایان، عبدالکریم سروش: ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

[۲۵۳]- همان: ص ۱۴۲.

[۲۵۴]- اسرار الصلوه: ص ۴۶۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹